

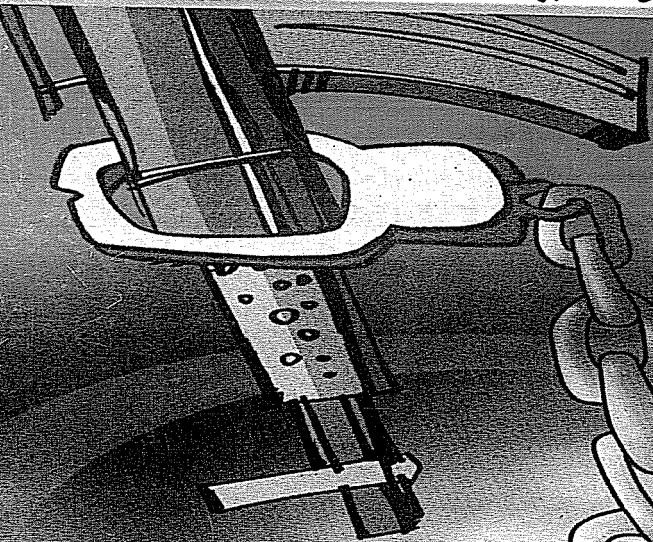
# اعدالت



## فرهنگ و ادب

مجمع تخصصی افغانی طرفدار حقوق اقلیت با

گاهنامه حقوقی، اجتماعی و فرهنگی. شماره دوم / سال اول، دسامبر ۲۰۰۴، مطابق با قوس ۱۳۸۳



• برکزاری میزگرد...  
• اقلیت های ملی و مذهبی در افغانستان  
• حمایت و توسعه حقوق آسیب پذیران

• مکلفیت های حقوقی افغانستان در قبال محکمه جزایی بین المللی  
• التیام زخمها و دردهای قربانیان  
• تجربه کانادا در تطبیق اصولنامه روم



گوشه ای از تمامی میزگرد

ما بد و ميل به ناحق نكنيم  
جامه‌ي كس سياه. دلق خود ارزق نكنيم

پيش حرف ..... ۲

برگزیده‌ی میزگرد ..... ۳

بحث پیرامون تروریسم ..... ۶

نگرانی‌های آقای معنوی ... ۷

همانگی قوانین افغانستان با ... ۱۲

تجربه‌ی کانادا در تطبیق اوصوئنامه‌ی روم ..... ۱۳

مکافیت‌های حقوقی افغانستان ..... ۱۷

التیام زخمها و دردهای قربانیان ..... ۲۵

گزیده‌های از بیانیه‌ی امیرد حق ..... ۲۶

اقلیت‌های ملی و مذهبی در افغانستان ..... ۲۷

حمایت و توسعه‌ی حقوقی اسبب پذیران ..... ۲۹

اقلیت‌های مذهبی در جوامع اسلامی ..... ۳۲

تجاوز ..... ۳۵

موافقتنامه‌ی امتیازات و ... ..... ۳۷

جرايد تحت پیگرد در محکمه‌ی ... ..... ۳۸

Statement by the DSRSG... ..... ۴۳

Round Table ..... ۴۶

قطعه‌نامه‌ی میزگرد به انگلیسی ..... ۴۸



صاحب امتیاز:  
مجمع متخصصین افغانی طرفدار  
حقوق اقلیت‌ها (APAMR)  
تحت نظر هیئت تحریر:  
داکتر داود نجفی  
استاد سید امان الله ابدالی  
نعمت الله ابراهیمی  
ج. علی اوحدی  
نایب و دبیران: محمد مظفری

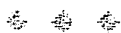
✓ مقالات ارسالی حقوقی،  
اجتماعی و فرهنگی شما را که  
با پالیسی نشراتی ما موافق  
باشند با محبت پذیرفته و در  
قسمت ویرایش و تصحیح آن  
آزاد می‌باشیم.  
✓ مقالات ارسالی الزاماً  
معرف آراء ما نخواهد بود.

نشانی:  
ایران‌نمان نمبر (2) شمال غرب نیسه نادریه.  
مقابل مسجد جامع حضرت نعمان ابن ثابت  
آمام اعظم (رح). کارته پروان کابل  
افغانستان  
موبایل: 070016983-070207458-079301434  
07020458 070016983  
ایمیل: apamrfg@yahoo.com  
apamrfg@yahoo.com



کشور کثیرالمیلتی ما نیز چه در گذشته‌های تاریخ خود و چه در سه دهه اخیر با تعدی‌ها و تجاوزات و نقض آشکار حقوق بشر و جرایم که از نظر قوانین بین‌المللی و حقوق بشر کاملاً نفی گردیده، مواجه بوده است و هزاران انسان‌های بی‌گناه و بی‌دفاع قربانی فاجعه‌های ضد انسانی و بالخصوص در چند دهه‌ی اخیر شده‌اند که ما شاهد جنایات و جرایم سازمان یافته‌ی دولتی انتقام گیرانه‌ی مردمی هر دو بوده‌ایم و به صراحت گفته می‌توانیم که تاریخ چندین دهه‌ی اخیر کشور ما تاریخ فاجعه‌ای جنایات و جرایم آفرینی‌های دولتی و مردمی هر دو می‌باشد که به شکل‌های گوناگون انجام یافته است.

بنام رسیدگی بر جرایم و جنایات و نقض حقوق بشر برای ایجاد صلح و تحقق ثبات در کشور یک امر ضروری است که باید در دست اجرا گذاشته شده و مجرمین جنگی و جنایتکاران و نقض کنندگان حقوق بشر و مجرمین و حامیان آنان به محاکمه کشانیده شوند. ورنه انتقام گیری‌های شخصی همانطوریکه همه شاهد بر آن هستیم کم و بیش در گوشه و کنار کشور اتفاق می‌افتد- تداوم یافته و ثبات کشور را خدشه‌دار خواهد نمود به همین لحاظ است که ایامر به حیث یک نهاد حقوقی همیشه در راستای تحقق عدالت اجتماعی کوشیده و سمنارها و جلساتی را برگزار کرده است و می‌داند که صلح بدون عدالت پایدار نخواهد بود.



جرایم و جنایت امری است که در تمام نقاط دنیای فعلی و کشورهای انکشاف یافته و ناانکشاف یافته به اشکال مختلف کم و یا زیاد به وقوع می‌پیوندد. و عده‌ای از انسان‌های بی‌گناه و بی‌دفاع قربانی آن می‌گردند.

تاریخ گذشته‌ی بشر نیز شاهد بر آنست که در گذشته‌ها نیز جوامع بشری با چنین بدبختی‌ها مواجه بوده‌اند و انسان‌های بی‌گناه به بهانه‌های مختلف در کام این هیولای بد بختی، بی‌عدالتی افتاده و قربانی شده‌اند. پس به این سوال مواجه می‌باشیم که باوجود خود بینی که بشر داشته و خود را اشرف مخلوقات می‌خواند بناماً چرا این اشرف مخلوقات بر خلاف سایر حیوانات با درنده‌ترین خوی و خصلت به نابودی و آزار و اذیت‌های گوناگون هم نوع خود پرداخته و وحشیانه مرتکب فجیع‌ترین جرم و جنایت می‌شود.

ناگفته پیداست که مسایل گوناگون اقتصادی، سیاسی، مذهبی و ملیتی در آن دخیل بوده است و موجب وقوع وحشیگری‌های انسان‌ها بر انسان‌ها گردیده و جرم و جنایت‌های فراوان را درج تاریخ بشر نموده است. به عبارت دیگر جرم و جنایت بشری علل و انگیزه‌های مختلف داشته است که از گرایش افراطی باوری گرفته تا تخصیصات قومی و ملیتی و انگیزه‌های اقتصادی تصاحب اراضی و هژ مونسیتی قبیلوی و سیاسی همه عوامل بوده‌اند که بصورت‌های مشخص در فاکتور فاجعه‌های تاریخی جرم و جنایات بشری به مشاهده می‌رسد.

پژوهش‌های حقوقی

(جمع)

به

# محکمه بین‌المللی خزایی (ICC)

تدوین: ج. علی اوحدی

دایر نمود که در آن شخصیت‌های سیاسی وزارت امور خارجه به اشتراک حقوقی، ملی و بین‌المللی و نهادهای حقوقی داخلی اشتراک نموده بودند و بیانیه‌ها و سخنان سودمندی را ایراد کردند. جلسه‌ی یاده شده از ساعت ۹ صبح با تلاوت آیاتی از قرآن مجید آغاز گردید و بعد از معرفی «پامر» توسط سید امان الله ابدالی سکرتر عمومی اپامر، زلمی عزیز معین

سیاسی وزارت امور خارجه به اشتراک کنندگان خوش‌آمدید گفته و جلسه‌ی اول را ریاست نمود. بدنبال آن آقای محمد قاسم هاشمزی، معین وزارت عدلیه بیانیه‌شان را ایراد نمود و سخنان با ارزشی را در مورد محکمه جزایی بین‌المللی «ICC» بیان داشت و سپس آقای داکتر قدیر امیریار، مشاور حقوقی شورای امنیت ملی و خانم امیره حق معاون فرستاده‌ی

در طی بیش از دو دهه جرایم و جنایات بی‌شمار در حق انسان‌های مظلوم و بی‌دفاع کشور ما صورت گرفته است که حد و حدود آن بالاتر از تصور انسان‌هایی است که با افکار انسانی بخواهند آن را به سنجش بگیرند. از کشتار مسافری در مسیر راه‌ها گرفته تا قتل عام دسته‌جمعی اطفال، جوانان، زنان، پیرمردان و زنده‌بگور کردن انسان‌های بی‌گناه و بی‌دفاع را می‌توان بصورت کلی یادآور شد.

در راستای همین جنایات و جرایم نا بخشودنی بود که مجمع متخصصین افغانستانی طرزفدار حقوق اقلیت‌ها «میز گردی» را به تعقیب ورکشاپ‌ها و سمینارهای گذشته‌ی شان به تاریخ ۱۲/۲۱/۲۰۰۴ به همکاری مستقیم وزارت امور خارجه و وزارت عدلیه در مورد تطبیق «محکمه جزایی بین‌المللی»، ICC، در قصر ستاره وزارت محترم خارجه،



نمایی از برگزاری میزگرد

خاص سر منشی ملل متحد برای افغانستان وارد صحبت شده و سخنان سودمند و با ارزشی را بیان داشتند. در ساعت ده و چهل و پنج دقیقه وقفه‌ای برای صرف چای بوجود آمد و به ساعت یازده، دوباره اشتراک کنندگان بکارشان ادامه دادند و آقای مارتین دی لابی سفیر حکومت شاهی هالند در افغانستان و خانم الین اولیکسیوک معاون سفارت کانادا و آقای مایکل کوتیر متخصص شعبه بین‌الملل وزارت خارجه سوئیس هر یک بعد دیگری سخنان با ارزش و قابل توجه را راجع به مسایل حقوقی و جزایی بیان داشتند.

درست ساعت ۱۲ آقای داکتر احمد ضیاءالدین مؤسس و فراهم کننده‌ی شبکه محکمه جزایی بین‌المللی بخش آسیا « ICC-ANICC » و مشاور Advisor خاص اپامر، بیانیه‌شان را در طی قریب به نیم‌ساعت ایراد نمودند.

در ساعت دوازده و نیم، وقفه‌ی یک ساعته برای صرف طعام صورت گرفت و بدنبال آن سر ساعت یک‌ونیم مجدداً جلسه، کارش را شروع کرد و رباست جلسه‌ی بعد از ظهر را آقای داکتر قاسم هاشمزی معین وزارت عدلیه به عهده داشت و آقای مایکل کوتیر از اداره حقوق بین‌الملل وزارت خارجه سوئیس سخنانی را راجع به تجربیات کشور سوئیس در باره‌ی محکمه‌ی جزایی بین‌المللی ارائه نمود و بقیه‌ی اشتراک کنندگان که درین لحظات جلسه سهم فعال گرفتند و سخنان

سودمند را بیان داشتند که عبارت از شخصیت‌های ذیل بودند:

♦ الحاج قضاوت پو فضل احمد معنوی - معاون استر محکمه دولت انتقالی اسلامی افغانستان.  
♦ پروفیسور ثریا پیکان - معاون وزارت تحصیلات عالی.  
♦ آقای بهاء‌الدین بها - رئیس کمیسیون اصلاحات عدلی و قضایی.

♦ الحاج کلیم‌الله ملکزی - مرستیال تعقیب قضایی حارنوالی.  
♦ آقای ضیاء لنگری - نماینده کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان.

♦ داکتر شمس - رئیس انستیتوت دیپلوماسی وزارت امور خارجه افغانستان.  
♦ آقای عبدالقدیر قیومی - رئیس دیپارتمنت قوانین بین‌الملل وزارت عدلیه.

♦ آقای عبدالاحرار رامیز پور - استاد دانشکده‌ی شرعیات دانشگاه کابل و عضو بنیاد فعالین حقوق بشر افغانستان.

به تعقیب مباحثات و سخنان و بیانیه‌های آقایان نامبرده وقفه‌ای برای صرف چای صورت گرفت و سپس مباحثات در اطراف موضوع ادامه یافت و نتیجه

گیری از آن را به عمل آوردند. درست به ساعت چهارونیم آقای داکتر داود نجفی دایرکتر «اپامر» با تشکر از شرکت کنندگان، میزگرد را خاتمه اعلان کرد که اینک نکات برجسته و مقالات مفید برخی از اشتراک کنندگان را در طی صفحات آینده، برای خوانندگان و علاقه‌مندان ارائه نموده و تقدیم می‌داریم.



### نکات قابل توجه سخنان اشتراک کنندگان میزگرد در وزارت خارجه‌ی افغانستان گزیده‌ای از سخنان آقای مایکل کوتیر

یکی از اشتراک کنندگان «میزگرد» ۲۰۰۴/۱۲/۲۱ در وزارت امور خارجه افغانستان راجع به تطبیق اصولنامه‌ی رم « ICC » آقای مایکل کوتیر از اداره‌ی حقوق بین‌المللی وزارت خارجه‌ی سوئیس بود که سخنانش را چنین آغاز کرد:



بین‌المللی» باید تعقیب گردیده و به محاکمه کشانده شوند.»

آقای مایکل در آخر سخنانش بیان داشت:

«ما، در رم باین دیدگاه بودیم که ستمگری قرن بیستم هرگز نباید دوباره اتفاق افتد و معافیت مجرمین نباید در آینده بشر ممکن گردد، و به قربانیان باید موقعیت داده شود که صدای خود را بلند کنند و مطمئن باشند معنی اشتراک در اصول نامه‌ی رم، روی همین اهداف بوده است.»

نامبرده در پایان سخنانش از جلسه و اشتراک کنندگان با زبان دری تشکر نموده و بحث‌های دوره‌ی اولش را، خاتمه داد. در دوره‌ی دوم «یعنی بعد از ظهر از تجربیات سودمند کشورش، سویس، سخنانی را بیان داشت که عین سخنانش، در بخش انگلیسی آورده شده است.

ملی خود برای هر نوع همکاری تهیه‌کنند (ماده ۸۸) در کنار الزام همکاری دولت‌ها و سازمان‌های عضو باید «محکمه جزایی بین‌المللی» را در قانون جزایی ملی خود نیز جاداده و شامل کنند، و در غیر آن صورت «محکمه جزایی بین‌المللی» هرگز قادر نخواهد بود و نه برای آن پی‌ریزی شده است که مسئولیت داشته باشد که تمام مرتکبین جرایم جنگی و نسل‌کشی و جنایات علیه بشریت را، تعقیب و دنبال کند.»

و او همچنین گفت:

«بدین سان «محکمه جزایی بین‌المللی» با منابع محدود خود باید فعالیت خود را بر مرتکبین جرایم سست‌ماتیک به پیمان‌ه وسیع متمرکز نماید به این معنی که در هر وضعیت، تعدادی از مرتکبین جنایات جنگی توسط «محکمه جزایی

با تشکر از سازمان دهندگان «میزگرد» و اشتراک کنندگان محترم، تشکر از اینکه من را در این میزگرد مهم دعوت نموده‌اید، و این در حقیقت یک احترام برای من است که با شما گردآمده و تبارز دهم که چگونه ممکن است که اصول نامه‌ی رم تطبیق گردد، مخصوصاً چگونه در «سویس» تطبیق و اجرا گردیده است.»

ما بسیار بسیار این میزگرد را خوش آمد گفته استقبال می‌کنیم که چگونه اصول نامه رم تطبیق شود. اگر آن «اصول نامه‌ی رم» به اجرا گذاشته نشود، بصورت نظریه‌های انتزاعی باقی مانده و از «محکمه جزایی بین‌المللی» (ICC) باید هیچ‌گونه انتظار عملی را نداشته باشیم.

آقای مایکل کوتیر همچنان در ادامه سخنانش علاوه کرده گفت:

«تمام ۹۷ کشور و سازمان‌های امضاکننده‌ی اصول نامه‌ی رم مواجه با تطبیق اجرایی آن می‌باشند. کشورها و سازمان‌های جهانی، باید به قانون اساسی ملی‌شان تجدید نظر کنند که تا با «محکمه‌ی جزایی بین‌المللی» (ICC) موثرانه همکاری نماید.»

نامبرده بر سخنانش افزوده و گفت:

«مطابق اصول نامه‌ی رم، دولت‌های عضو، واضحاً مکلف‌اند که با درخواست «محکمه جزایی بین‌المللی- ICC» همکاری نمایند (ماده ۸۸) و پروسیجر را در قانون



اعضای اپامر برگزار کنندگان میزگرد

از راست به چپ: آقای سید امان‌الله ابدالی، آقای داکتر داود نجفی و آقای نعمت‌الله ابراهیمی

## بحث پیرامون مسئله تروریسم در میزگرد

افغانستان قربانی  
تروریسم گردیده و با  
استفاده از تجاری که  
خود مستقیماً با آن  
دخیل بوده  
است، بهتر است که  
در کنفرانس شرکت  
فعال نماید

آید.

در این زمینه خانم انیسه رسولی رئیس محکمه اطفال دیوان عالی سوالی را مطرح کرده پرسید: «که چرا محکمه، کشورهای عضو را برای مدت هفت سال اجازه نمی‌دهد تا در ساحه‌ی حقوقی به تعدیل و یا اضافات ضروری در اصول نامه‌ی رم بپردازند در حالیکه کشورها باید مورد تشویق قرار گرفته و پیش نهادت و طرح‌های شان مورد پذیرش و یا بحث قرار گیرد.»

در جواب این سوال خانم رسولی، آقای مایکل کوتیر فرمود که در محکمه در قدم اول موضوع ثبات یک موضوع جدی بود و باید به کشورهای عضو اطمینان داده شود که محکمه درگیر دستخوش تغییرات و تحولات آنی نمی‌گردد و ثبات آن برای حداقل هفت سال تضمین است و در قدم دوم تا ۷ سال ICC به آن مقررات وضع شده مورد تجربه و آزمایش قرار گرفته و ارگانهای آن فعال می‌گردد و بعد از هفت سال می‌شود که با درک درست از آن روی نواقص و کمبودات و موضوعات مورد ضرورت و جدید بحث صورت گیرد.



آقای احمد ضیاءالدین، بنیانگذار شبکه‌ی آسیایی برای محکمه جزایی بین‌المللی

آقای مایکل کوتیر مشاور حقوقی وزارت خارجه سوئیس

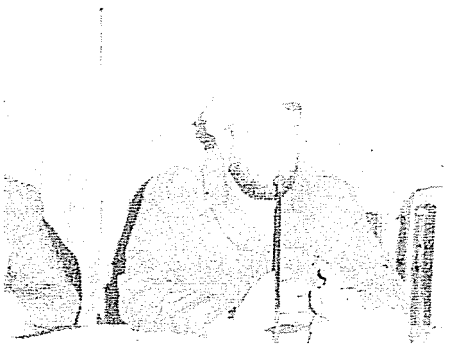
آقای مایکل کوتیر در خصوص موضوع گفت:

«موضوع تروریسم در کنفرانس رم مطرح و مورد بحث قرار گرفت ولی بنا بر اختلاف نظر توافق عمومی روی آن صورت نگرفت.» و همچنین وی افزود که در سال ۲۰۰۹ کنفرانس بازنگری در سال ۱۹۹۸ ICC دایر می‌گردد که یکی از موضوعات بحث آن موضوع جرم تروریستی و تروریسم می‌باشد.

آقای احمد ضیاءالدین بنیانگذار شبکه‌ی آسیایی برای محکمه‌ی جزایی بین‌المللی فرمود که با توجه به اینکه افغانستان قربانی تروریسم گردیده و با استفاده از تجاری که خود مستقیماً در آن دخیل بوده است در کنفرانس شرکت فعال نموده و زمینه‌ی تعریف مشخص تروریسم را فراهم نماید تا که تروریسم نیز درج اصولنامه‌ی محکمه گردد و تعریف مشخص از تروریسم در آن به عمل

یکی از مباحثی که در میزگرد صورت گرفت راجع به مسئله‌ی تروریسم در محکمه جزایی بین‌المللی بود که چرا این موضوع در آن گنجانیده نشده است که در جواب این سوال مطرح شده معاون سفارت کانادا، الین اولیکسیون چنین گفت: «...سوالی در جلسه مطرح گردید که در «محکمه‌ی جزایی بین‌المللی» باید تروریسم تعریف گردیده و از لحاظ حقوقی مقرراتی را شامل اصول محکمه ... می‌گردند. که باید در پاسخ یادآور شد که بعد از هفت سال از تاسیس «محکمه جزایی بین‌المللی» کشورهای عضو می‌توانند، تقاضای تعدیل اصولنامه را در جلسه‌ی عمومی به بحث انداخته و مطرح نمایند، چون افغانستان کشوریست که عضو آن محکمه است می‌تواند با شرکت فعال در جلسه عمومی کشورهای عضو خواهان تعدیل اصولنامه گردد.»

## نگرانی‌های آقای معنوی معاون ستره محکمه راجع به تصویب محکمه‌ی جزایی بین‌المللی در افغانستان



پارلمان آترا به تصویب می‌رساند اگر دوستان استدلال کنند که پارلمان وجود ندارد بهتر بود که در دو لوی جرگه‌ی قبلی مطرح می‌کردند و در آنجا به تصویب می‌رسید. و خصوصاً تاکید من اینست که بدون در جریان قرار دادن محکمه افغانستان این را تصویب کرده است اکنون کار انجام شده و حضور محکمه افغانستان سمبولیک بوده و فقط در کنفرانس‌ها دعوت شده است اورا قی که ما مطالعه می‌کنیم بیشتر مربوط به ارگان‌های قضایی می‌شود. همکاری بیشتر در وقتی صورت می‌گردد که مراجع قضایی افغانستان قبلاً در جریان گذاشته می‌شد و به آن مشوره می‌گردید و راه‌های تطبیق آن خوبتر سنجیده می‌شد.

می‌گیرد، کشورهای دیگر مصئون نمی‌مانند. بلکه باید قانونی تشکیل گردد که باید همه را شامل شود و تنها اختصاص به ضعفا نداشته باشد و بلکه باید شامل کشورهای قدرت‌مند هم شوند و ما امید داریم که شامل همه شوند. اکثر جرایم از کشورهای قدرت‌مند صورت می‌گیرند این یک کار خوبی است که افغانستان هم این را امضاء کرده است امیدوارم که شامل همه شوند هم‌اکنون که بحث از مسئله قضایی و راجع به دوایر قضایی افغانستان است، همانطوریکه در سال گذشته نگرانی داشتیم پیوستن به محکمه تنها یک مسئله صرف سیاسی نیست بلکه مسئله حقوقی نیز هست. ولی جنبه حقوقی آن بیشتر است بسیار خوب بود که منابع حقوقی و قضایی افغانستان قبلاً خواسته می‌شد و با آنان مشوره می‌کرد و حتی به نظر شخص من اینست که پیش از تشکیل پارلمان انتخاب و امضاء نمی‌شد.

از جمله اشتراک کنندگان می‌گردد. آقای فضل احمد معنوی معاون ستره محکمه‌ی دولت انتقالی اسلامی افغانستان بود که سخنانش را چنین آغاز کرد:

با تشکر از برگزار کنندگان می‌گردد که در سال گذشته نیز یک کنفرانس را به راه انداخته بود، و مسئله ICC یک امر مثبت برای افغانستان می‌باشد که نیاز به بحث و مذاکره و مفاهمه دارد و محکمه عالی افغانستان از این موضوع بی‌خبر بوده است. خوب است که همچنین کنفرانس‌هایی تشکیل شده و بمباحثه گرفته شود. فکر تشکیل ایجاد یک محکمه‌ی بین‌المللی یک فکر خوبی بوده است و ضرورت بوده است. در نفس ایجاد محکمه سوالی نیست ولی با توجه به شرایط کشورهای مختلف ایجاد دقت بیشتر را می‌کند که تا به پختگی برسد. جرم وقتیکه در یک کشور اتفاق می‌افتد می‌تواند که به کشور دیگری هم تعدی نماید چنانچه که ما شاهد یک سلسله جرایم بودیم که از یک کشور به کشورهای دیگر سرایت کرده است. چون انسان، «به قول سعدی»

بنی آدم اعضای یک دیگرند  
که در آفرینش ز یک گوهرند  
چو عضوی برد آورد روزگار  
دیگر عضوها را نماند قرار

مفهوم این شعر این است که جرم وقتی در یک کشوری صورت

دولتی که مرتکب این جرایم شود و نخواهد که مجرمین را تسلیم نماید و با این محکمه نیز همکاری نمی‌کند. پس در آن صورت این محکمه اگر بخواهد در آن کشور مداخله کند راه آن چیست آیا می‌تواند از طریق پولیس اترپول مداخله کند؟

خوبتر این بود که در بدو تاسیس این محکمه در مقدمه و یا اساسنامه آن نکات تشویق کننده گنجانیده می‌شد که کشورهای بیشتر به آن کشانده می‌شد. ما کاملاً اعتراض خواهر انیسه رسولی را تایید می‌کنیم که چرا شرط هفت سال گنجانیده شده است. این شرط هفت سال بیشتر باز دارنده است نه تشویق کننده. نظر ما اینست که فرصت بیشتر داده می‌شد تا راجع به این محکمه بیشتر مطالعه می‌شد و پارلمان افغانستان باید آن را تصویب می‌کرد. حال که تصویب هم شده باید این تصویب مطلق می‌بود و صلاحیت تنها بدست پارلمان می‌بود آن وقت کار بیشتر روی آن صورت می‌گرفت.

**توضیحات اشتراک کنندگان  
میزگرد بر نگرانیهای آقای معنوی**

آقای هاشمزی در جواب آقای معنوی یادآور شد که:

طریق امضاء معاهدات بین‌المللی به این قسم است که دولت در اول الحاق خود را اعلان می‌کند و بعداً این را واگذار به قوهی مقننه خود می‌کند که روی آن غور و بررسی

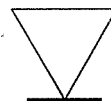
نمی‌تواند به ماقبل رجعت کند. وقتی که ما بحث می‌کنیم که ملحوظاتی وجود دارد که چرا وزارت خارجه چشم بسته و بدون مشوره با ارگان‌های قضایی افغانستان امضاء و تصویب می‌کنند.

سیستم کشورها فرق می‌کند سیستم کشور ما هم با کشورهای اروپایی فرق می‌کند و در بیشتر از کشورها صلاحیت در دست محاکم است در کشور ما، افغانستان؛ تا قضایا سرمیز گذاشته نشده است محاکم نمی‌تواند تصمیم بگیرد و آنطوریکه بحث این محکمه صلاحیت تحقیق جرم را نیز دارد. ولی در افغانستان تحقیق بیشتر متوجه خرنوالی است چیزی که در افغانستان دشوار است کشانیدن مجرم به عدالت است وقتیکه مجرم در میز محاکمه کشیده شد، محکمه‌ی آن کار سختی نیست. تا جاییکه ما مطالعه می‌کنیم نقش خرنوالی در این محکمه ضعیف است. در افغانستان وظیفه آن به عهده‌ی پولیس است و تحقیق از وظایف خرنوالی می‌باشد. با اینکه خرنوالی مطابق قوانین نقش شان به خوبی برجسته است که در این نکته باید توجه شود.

تا جایی که صلاحیت این محکمه راجع به چهار جرم است با توجه این مطلب استر محکمه افغانستان نمی‌تواند نقشی را ایفا نماید در اینجا نقش خرنوالی و پولیس افغانستان برجسته است.

نکته دیگری که برای من بسیار مهم است آن است که گفته شود

یک نقص دیگر هم در این موضوع وجود دارد که بیش از پیش از تصویب قانون اساسی این محکمه تصویب شده است و باید بعد از قانون اساسی تصویب می‌شد و ملاحظه‌ای در قانون اساسی افغانستان هم وجود دارد. هم اکنون که افغانستان این را تصویب کرده است چگونه می‌شود که ما مجرم مسلمان را به یک غیر



### باید قانونی تشکیل

گردد که باید همه را

شامل شود و تنها

اختصاص به ضعفا نداشته

باشد و بلکه باید شامل

کشورهای قدرتمند

هم شوند



مسلمان تحویل دهیم. ماده‌ی دوم قانون اساسی افغانستان صراحت دارد که هیچ قانونی نباید بر خلاف قانون اسلامی بوده و با آن مغایرت داشته باشد.

این مسایل کار خوبی در صورتی می‌توانست باشد که از سال‌های قبل صورت می‌گرفت چون قانون به ماقبل رجعت نمی‌کند، این هم

افغانستان باید در نظر گرفته شود. یکی از نکاتی که باید در نظر گرفته شود این است که تنها مشکل ما در قانون فرعی نیست ما در قانون اساسی هم مشکل داریم.

همچنان که گفته شد کشور عضو تا هفت سال نمی‌تواند که خواهان تغییر در قانون محکمه‌ی جزایی بین‌المللی شود مالم مهم آرزو داریم که قانون افغانستان هم برای سالها قانون بماند. قانون اساسی افغانستان صراحت دارد که به هیچ قانونی اجازه داده نمی‌شود که در صلاحیت قوانین قضایی افغانستان مداخله نمایند و از آنجا که آقای هاشمزی فرمود که اگر کشور عضو نخواهد یا نتواند مجرمین را محکمه کند باز این قانون مداخله می‌کند. و اگر استدلال شود که این قانون، قانون آزاد و بین‌المللی است، پس تضاد دو قانون چطور می‌شود؟



ابولاحرار رامیز پور استاد دانشکده‌ی شرعیات دانشگاه کابل و عضو بنیاد فعالین حقوق بشر افغانستان یاد آور شده گفت:



تصویب کابینه وزارت خارجه الحاق خود را اعلام می‌کند در رابطه با ICC هم اول موضوع به وزارت اطلاعات و فرهنگ و وزارت عدلیه ارسال شده و بعد از اتخاذ نظر آنها، به کابینه ارجاع شده است و کابینه تصویب کرده و بعداً وزارت خارجه الحاق خود را به آن اعلام نموده است و این کار خود سرانه صورت نگرفته است.



**در ضمن آقای بهاء‌الدین بها رئیس کمیسیون قضایی افغانستان تذکر داد که:**



با توجه به صحبت‌های که صورت گرفت این یک گام بسیار مثبت است که افغانستان به این میثاق بین‌المللی دست یافته است با توجه به نکاتی که آقای معنوی اشاره کرد و با توضیحاتی که آقای امیریار هاشمزی و معنوی ارائه کردند بعضی نکات دیگری هم وجود دارد که هنگام بازنگری قوانین داخلی

کنند افغانستان فعلاً قوه‌ی مقننه ندارد و به توافق وزارت عدلیه و وزارت خارجه تصویب کابینه دولت افغانستان این الحاق اعلان شده است و بعد پارلمان می‌تواند روی آن بحث کند.

همچنین او علاوه کرد که:

قانون اساسی افغانستان این معضله را حل کرده است و در قانون اساسی صراحتاً ذکر شده است که هیچ مجرم به کشور دیگری تحویل داده نمی‌شود مگر اینکه افغانستان آن معاهده را امضاء کرده باشد چون افغانستان این را امضاء کرده است هیچ موانعی در راه آن نیست.

راجع به مسئله مسلمان بودن محکمه و قاضی این یک محکمه بین‌المللی است و بسیاری از کشورهای مسلمان عضو آن هستند. حتماً که قاضیهای مسلمان هم وجود دارد که این مشکل را حل نمایند.



آقای غفوری عضوی وزارت خارجه راجع به نگرانیهای آقای معنوی را چنین پاسخ گفت:

«وزارت خارجه این کار را خود سرانه نکرده. قاعده این است که هر معاهده‌ای که افغانستان باید آن را امضاء کند، اول به مراجع مربوطه ارسال می‌شود و بعد از اینکه نظرات آنها گرفته شد، دوباره برای تصویب به اداره امور و از آنجا به کابینه برای تصویب ارسال می‌شود و بعد از

محاکمه کند. ولی در افغانستان که هرکسی که قدرت گرفت عفو عمومی را اعلان کرد. عفو عمومی از صلاحیت شخص و یا اشخاص نیست و باید این قضایا جدی گرفته شود و مجرمین افغانستان آزادانه در کشورهای دیگر زندگی می‌کنند و برای این مسئله باید راه حل جدی پیدا شود و مجرمین نیز محاکمه شوند.

**آقای بهاء رئیس کمیسیون اصلاحات عدلی و قضایی افغانستان،** در پاسخ چنین بیان داشته و گفت: که این حق مردم افغانستان است که علیه هر شخص ادعایی می‌کنند و می‌توانند که هر وقت آن را تعقیب کنند و در دوران قبل که جرایم تحقیق شده است و شاید درآرشیف وجود داشته باشد. مجرمین که در خارج می‌باشند می‌شود آنرا از طریق محکمه‌ی جزایی بین‌المللی ICC که امضاء کننده‌ی آن می‌باشیم تعقیب کرد.

**آقای عبدالقدیر امیر یار مشاور امنیت ریاست جمهوری اسلامی افغانستان** در رابطه به سخنان آقای شمس، تبصره داشته و گفت: با تایید سخنان رئیس صاحب بهاء، خوشبختانه قوانین ICC مانع نمی‌شود که مردم افغانستان جرایم گذشته را به عدالت نکشاند و قتیکه لیست جرایم بین‌المللی را می‌بینیم، ICC فقط به چهار نوع جرم مداخله دارد و این مربوط به افغانستان است که در هر وقت خواسته باشند می‌تواند مجرمین

## در قانون اساسی صراحتاً ذکر شده است که هیچ مجرم به کشور دیگری تحویل داده نمی‌شود

است امروز برای من نکته‌ی مهم این است که در طول بیست سال جرایم و تجاوز علیه اطفال صورت گرفته است که اگر محاکم افغانستان نتوانند که آنها را در یک محکمه، محاکمه کند، کی می‌تواند محاکمه کند. نکته‌ی دیگر این است که یک تعداد از جنایت کاران افغانستان در کشورهای دیگر پناهنده شده‌اند و در آنجا آزادانه زندگی می‌کنند چون افغانستان معاهده استرداد را با آن کشورها امضاء نکرده است چطور می‌تواند مجرمین را به افغانستان برگرداند. برای مثال روسیه می‌گوید معاهده‌ی استرداد مجرمین را با افغانستان نداریم.

ما در افغانستان شاهد جرایم بسیار هستیم که اگر مجرمین در کشورهای دیگر زندگی می‌کنند پس اگر این محکمه بر آن بر خورد کند، این مسئله چگونه حل می‌شود.

نکته‌ای که قابل توجه است این است که قتیکه محاکمه نورمبرگ تاسیس شد آن‌ها توانستند که مجرمین را از جاهای دیگر پیدا کرده

من می‌خواستم که خدمت دوستان عرض کنم که این محکمه ICC برای مهار کردن جرایم جهانی یک مسئله جهانی شده است. برای مهار کردن جرایم جهانی نه تنها محکمه‌ی جهانی یک چلنج برای محاکم دولت افغانستان است و بلکه برای سایر کشورهای جهان نیز است که افغانستان بر آن پیوسته بنه‌اء ایجاب می‌کند که محکمه افغانستان نیز با آن مطابقت کند.

هیچکس نمی‌تواند این را انکار کند که قانون افغانستان منشأ گرفته از اسلام نیست و در قانون اسلام نیز راه بیرون رفت وجود دارد که باید قانون داخلی خود را بازنگیری کرده و راه‌هایی را پیدا نمود که با قانون بین‌المللی مطابق شود. مسئله‌ی دوم که برای ما بسیار دل چسب است که باید مورد توجه قرار داده شود، جبران خسارت است که باید پرداخته شود و خود همین ایجاب می‌کند که در قانون داخلی ما گنجانیده شود. ملحوظاتیکه آقای معنوی مطرح کرد قابل دقت است ولی مشکل نیست. راه بیرون رفت در قانون اساسی وجود دارد و ما امیدواریم که این بحث در مطبوعات کشیده شود و مطرح گردد.»

**آقای داکتر شمس رئیس دیپلوماسی وزارت امور خارجه افغانستان،** با در نظر داشت مباحث ارائه شده گفت: صحبت‌های دوستان را که شنیدم هم اکنون نگرانی من این است که جرایم تجاوز در این محکمه‌ی بین‌المللی تعریف نشده

پارلمان افغانستان در مورد آن تصمیم می‌گرفت. اگر یک وقتی پارلمان تشکیل شد این تصویب را قبول نکرد سرنوشت این امضاء و تصویب چه خواهد شد.



ملحوظات آقای بهاء‌الدین بهاء  
رئیس کمیسیون عدلی و قضایی  
افغانستان

آقای بهاء در بخشی از سخنانش  
علاوه کرده گفت:



آقای هاشمزی  
راجع به دو نگرانی و  
ملحوظاتی که آقای  
بهاء و همچنان  
معنوی که قبلاً  
مطرح نموده بودند،  
چنین گفت:

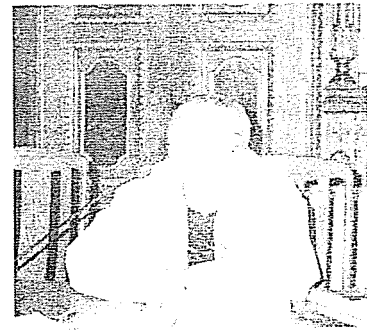
«اگر ما در این  
روز و دو روز بعدی

سمینار روی این بحث کنیم که چرا وزارت خارجه ما این امضا را نموده است بجایی نمی‌رسیم. دولت ما الحاق خود را به آن اعلام نموده است. معنی الحاق این است که افغانستان قوانین داخلی خود را با قوانین جرایم بین‌المللی عیار نماید در این روز ما باید سر این بحث کنیم که راهی پیدا کنیم که قوانین داخلی به قوانین بین‌المللی عیار شود. سوال ها و نگرانی‌هایی را که دوستان ارائه کردند، تا جایی وارد است ولی تلاش داریم که یک راه بیرون رفت از این نگرانی‌ها پیدا شود. در این دو روز ما باید روی آن بحث کنیم و راه حل پیدا کنیم...»



موانعی در قوانین جزایی افغانستان وجود دارد، یکی از آن‌ها این است که قانون افغانستان مرگ را مجاز می‌داند در حالیکه در قانون جزایی بین‌المللی آنرا مجاز نمی‌داند. ملحوظ دیگر که سؤالم متوجه وزارت خارجه‌ی افغانستان است که در فبروری ۲۰۰۳ این محکمه را تصویب کرده است و قانون افغانستان در اخیر ۲۰۰۳ و اوایل ۲۰۰۴ تصویب شد آیا مقامات محترم وزارت خارجه توضیحه‌هایی را به کمیسیون قانون اساسی داشته است و اگر داشته، نظر آنها چه بوده است و اگر نداشته، چرا چنین چیزی صورت نگرفته است. دوم تصویب صلاحیت معاهدات بین‌المللی از صلاحیت پارلمان افغانستان است پس بهتر بود که

گذشته را به محکمه بکشد. محکمه‌ی ملی افغانستان راه‌های کشانیدن مجرمین گذشته را باید به محکمه بسنجد.



سخنان آقای قیومی معاون ریاست مقننه وزارت عدلیه افغانستان

آقای قیومی بعد از تشکر از برگزاری میزگرد راجع به تأسیس محکمه‌ی جزایی بین‌المللی گفت: با در نظر داشت مسایل بین‌الملل و جنایات و جرایم و نقض حقوق بشر که بصورت گسترده در جهان به وقوع می‌پیوندد

البته تأسیس این محکمه به قلب و وجدان می‌رسد و الحاق افغانستان در این محکمه و دیگر پیمان‌های بین‌المللی ما حمایت و پشتیبانی نموده و این را یک امر مثبت می‌دانیم و محکمه جزایی بین چهار نوع جرایم را مورد توجه قرار داده است اما در قانون ۱۹۷۶ افغانستان جنایت و جرایم و اختطاف اطفال نیز گنجانیده شده است که محکمه‌ی بین‌المللی به آن توجه نکرده است.

## هماهنگی قوانین افغانستان با محکمه‌ی

### جزایی بین‌المللی

سخنان آقای احمد ضیاءالدین در خصوص محکمه‌ی جزایی بین‌المللی و قانونیت آن در افغانستان



یکی از اشتراک کنندگان میزگرد آقای احمد ضیاءالدین بنیانگذار شبکه آسیایی برای محکمه جهانی ICC در میزگرد آپامر چنین سخنانی را ایراد نمود:

با تشکر از آقای زلمی عزیز و برگزار کنندگان میزگرد (آپامر).

ما از مدت ۴ سال به این طرف با آپامر داخل ارتباط هستیم. وجودم در مرکز محکمه‌ی جهانی در جریان بودم و در این راستا آپامر زحمات زیاد کشیده است در نتیجه‌ی این تلاشها دولت افغانستان این اصولنامه را تصویب و امضاء کرد.

طوریکه امروز در این جلسه میزگرد به مشاهده می‌رسد که مقامات دولتی افغانستان از ارگان‌های مختلف شرکت ورزیده‌اند و این برای من مایه‌ی نیابت دلچسبی است.

تصویب اصول نامه‌ی روم توسط دولت افغانستان با موسسات قضایی و عدلی کمک خواهد کرد تا در آینده‌یاز تاریخ ۲۵ سال جنگ برای آن کمک خواهد کرد که در آینده اتفاق مشابه صورت نگیرد. متأسفانه بسیار کم کشورهای آسیایی این محکمه را تصویب کردند و از این کشورها که این محکمه را تصویب کرده‌اند فقط کشورهای کره‌ی جنوبی و مغولستان است که در رابطه با تطبیق این محکمه با قوانین داخلی خود اقدام

در رابطه با تطبیق آن راه‌های مختلف وجود دارد یک راه این است که کشورهای عضو مکلفیت‌هایی را در قبال محکمه دارد و آنرا اجرا نماید. که این مکلفیت‌ها از طرف محکمه چاپ و نشر شده است.

دوم راه، همکاری کشورهای عضو با محکمه است.

موضوع همکاری کشور های عضو، محکمه را تا هنوز ۹ کشور است که مراحل آن را طی کرده‌اند که البته این مورد خصوصاً برای کشورهای دارای قوانین پیشرفته بین‌المللی است یک مقدار مشکل آفرین است ولی افغانستان در شرایط فعلی در یک حالت انتقالی بسر می‌برد. در مرحله گذار افغانستان مجموعه قوانین خود را بازنگری می‌نماید در همین وقت حساس برای افغانستان خیلی آسان است که قوانین داخلی خود را مطابق قوانین محکمه مذکور عیار نماید.

در بسیاری از کشورها، قوانین اساسی آن بر خورد همکاری ندارد ولی قانون اساسی افغانستان این مشکل را از لحاظ حقوقی حل کرده است.

هدف از برگزاری میزگرد امروزی این است که: با شرکت مقامات بلند پایه‌ی افغانستان و جامعه‌ی جهانی بویژه نماینده‌ی محترم ملل متحد توقع می‌رود که از راه‌های تشریح شده در فوق باید مسیر دقیق را برای کشور افغانستان ایجاد کرد یعنی از کجا آغاز کرد. و از جامعه‌ی جهانی چه توقع می‌رود و چگونه امکانات همکاری موجود است.

نموده‌اند. من بسیار خوش حال هستم که بعد از مغولستان و کوریا، افغانستان سومین کشور آسیایی است که بعد از تصویب آن در رابطه با اقدام آن در ساحه‌ی قضایی خود به تطبیق آن آغاز می‌نماید.

باید این را بدانیم که فعلاً ۹۷ کشور از کشورهای جهان، این محکمه را تصویب کرده و ۲۷ کشور رسماً قوانین این محکمه را با قوانین داخلی خود تطبیق کردنداند و ۱۰ کشور دیگر برای زمینه سازی تطبیق آنها در حال آمادگی می‌باشند.

همچنان که معین وزیر صاحب فرمودند، برای افغانستان فعلاً ضرورتی و اساسی است که تمام قوانین داخلی خود و خصوصاً قوانین جزایی خود را با اصول نامه روم عیار نماید و این یک گام مهم و بازدارنده برای ارتکاب چهار جرم که در صلاحیت محکمه جزایی بین‌المللی است در افغانستان به حساب خواهد آمد.

# در تطبیق اصولنامه‌ی روم

## تجربه‌ی کانادا

بیانیه‌ی خانم الن اولیکسیوک، معاون سفارت کانادا



### عمومیات

• در محفل امروز می‌خواهم که سخنانم را بالای **قانون جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی** در محکمه‌ی کانادا متمرکز نمایم که اساسنامه‌ی روم محکمه‌ی جزایی بین‌المللی (ICC) و مواد مربوط به تخطی‌های شدیدی را که در کنوانسیون‌های مختلف ژنف آمده‌اند در قانون کانادا تطبیق می‌نماید.

• این قانون در سال ۲۰۰۰ نافذ شد و در جهان اولین قانونی بود که اساسنامه‌ی روم را تطبیق نمود. این قانون برای دو هدف ذیل بوجود آمد:

• **اول** - تا مسئولین ما قادر شوند با محکمه‌ی جزایی بین‌المللی (ICC) همکاری نمایند و از اصل "متممیت" اصولنامه‌ی روم استفاده نمایند.

• **دوم** - تا قوانین کانادا در پیگرد جنایات شدید تقویه گردد و اطمینان حاصل شود که

• قانون کانادا، کانادا را قادر می‌سازد تا از مفادات اصولنامه‌ی روم، که مکلفیت‌های اجباری و اختیاری کشورها را بیان می‌دارد، پیروی نماید. قانون ما با **مکلفیت‌های** ذیل تماس می‌گیرد:

• تغییر دادن قوانین برای قانونی ساختن توقیف و تسلیم دادن افراد به محکمه‌ی جزایی بین‌المللی؛

• جرم شمردن آن‌عه اعمالی که تاثیرات منفی بالای

کانادا- کشوری است که مقصد عمده‌ی پناهجویان در جهان می‌باشد - به پناه‌گاه امن برای جنایتکاران جنگی مبدل نمی‌گردد.

• مانند سایر کشورهای مشترک‌القوانین، کانادا دارای سیستم حقوقی قسماً دوتایی بوده و نیاز دارد تا میثاق‌هایی از قبیل اصولنامه‌ی روم و کنوانسیون‌های ژنیو، قبل از انفاذ در قوانین داخلی در قوانین ملی مدغم شوند.

عرف و قوانین بین‌المللی تعریف نماید. به عبارت دیگر، ما بیان داشتیم که این جنایات در کانادا چگونه تعریف می‌شوند که در قوانین بین‌المللی تعریف شده‌اند. برای اینکه این قانون برای قضات بیشتر روشن شود، چند مثال از این گونه جنایات را در آن شامل ساختیم و هم‌چنان تعریفات مربوطه‌ی اصولنامه‌ی روم را به طور ضمیمه در آن

• با آنکه ما می‌توانستیم قوانین موجوده‌ی خود را تعدیل نمائیم اما تصمیم گرفتیم تا قانون کاملاً جدیدی را به میان آوریم که مطابق آن بتوانیم **جنایات جنگی، نسل‌کشی و جنایات علیه بشریت** را بشمول آن عده جنایاتی که خارج از قلمرو کانادا صورت گرفته‌باشد، تعقیب نمائیم.

• ما فکر کردیم که ساختن

محکمه‌ی جزایی بین‌المللی دارند، مانند رشوه‌خوری قضات و تهدید شاهدان؛

• همکاری با محکمه‌ی جزایی بین‌المللی در ارتباط به جمع‌آوری اسناد یا تثبیت شاهدان احتمالی.

• به ارتباط موضوعات **اختیاری**، کانادا تصمیم گرفت که جنایات محکمه‌ی جزایی بین‌المللی، بشمول **جنایات**

## کانادا در قانون خود به چند اساس ادعای صلاحیت نموده است. کانادا یک صلاحیت فعال ملی و ارضی را اختیار نموده تا بتواند بالای جنایاتی که در قلمرو کانادا صورت می‌گیرد و یا شهروندان کانادا در کشورهای دیگر مرتکب می‌شوند حق پی‌گرد داشته‌باشد.

گنجانیدیم.

• این قانون هم‌چنان اجازه می‌دهد که نورم‌های قانون بین‌المللی‌ای که با گذشت زمان به میان می‌آیند، نیز در آن گنجانیده شوند.

• تعریف کانادایی **جنایات جنگی** تخطی‌های جدی را که در ماده ۵۰ کنوانسیون اول ژنف، ماده ۵۱ کنوانسیون دوم ژنف، ماده ۱۳۰ کنوانسیون سوم ژنف، ماده ۱۴۷ کنوانسیون چهارم ژنف، هم‌چنان مواد ۱۱ و ۸۵ پروتوکول الحاقی گنجانیده شده‌اند نیز شامل می‌گردد. ما این جنایات را از طریق مدغم

یک قانون واحد به مردم کانادا و جامعه‌ی بین‌المللی این را نشان خواهد داد که ما این جنایات را چقدر جدی گرفته‌ایم.

• قانون کانادا بالای منازعات مسلحانه‌ی بین‌المللی و منازعات مسلحانه‌ی داخلی قابل تطبیق می‌باشد.



### جنایاتی که تحت پوشش این قانون قرار می‌گیرند:

• کانادا تصمیم گرفت تا جنایات جنگی، نسل‌کشی و جنایات علیه بشریت را مطابق

**جنگی، جنایات علیه بشریت و نسل‌کشی** را در قوانین داخلی خود مدغم سازد، تا اینکه بتوانیم چنین جنایات را خود ما تحقیق و تعقیب نمائیم، خصوصاً اگر فرد متهم یک تبعه کانادا باشد.

• هم‌چنان ما یک جرم جدید را تعریف نمودیم که **تخطی از مسئولیت فرماندهی** نامیده می‌شود و وقتی تحقیق می‌یابد که مسئولین نظامی و پولیس از ارتکاب جنایات توسط قوای تحت فرماندهی‌شان آگاهی داشته‌باشند و یا در کسب معلومات غفلت ورزیده باشند.

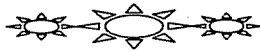
ارتکاب جرم و یا در جریان پروسهی محاکمه می‌تواند استفاده نماید.

- اما استثنائاتی هم وجود دارند. این یک دفاعیه شمرده نمی‌شود که جنایت در اطاعت از قانونی که در همان زمان و مکان نافذ بوده است، صورت گرفته است. این موضوع از مشکلاتی جلوگیری می‌نماید که هنگامی که یک رژیم قانونی را تصویب نماید و طی آن اعمالی را قانونی سازد که در تحت قانون بین‌المللی غیر قانونی می‌باشند، مثل آنچه که نازی‌ها در آلمان در دهه ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ انجام دادند.
- دفاعیه کانادا از متابعت اوامر مافوق ماده ۳۳ اصولنامه‌ی روم را انعکاس می‌دهد که دفاع را در شرایط محدودی اجازه می‌دهد که جنایات جنگی را در برگیرد که واضحاً و ظاهراً غیر قانونی نیستند.
- علاوه‌تاً کانادا در این قانون

خاک بلجیم حاضر است یا نه، اختیار تعقیب را داشته‌باشد. بعضی‌ها این اختیار را اختیار عالی - جهانی نامیده‌اند و قانون کانادا آنقدر فراتر نمی‌رود.

- هیچ‌گونه محدودیت در قانون کانادا پیش‌بینی نشده است چون کانادا بر این باور است که هیچ محدودیت زمانی برای تعقیب جدی‌ترین جنایات بین‌المللی وجود ندارد و این یگانه جنایاتیست که توسط این قانون تحت پوشش قرار می‌گیرد.

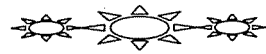
- به منظور جلوگیری از پیگردهای بیهوده، این قانون لازم می‌داند که قبل از آغاز هر نوع پروسه تعقیب رضایت لوی حارنوال کانادا تأمین گردد.



### دفاعیات

- مطابق قانون کانادا، به حیث قاعده عمومی، وقتی شخصی در کانادا به خاطر ارتکاب جنایات جنگی و یا جنایات دیگری که در این قانون تذکر یافته‌اند، محاکمه می‌شوند، از تمام دفاعیات موجود در قوانین کانادا و قوانین بین‌المللی در هنگام

ساختن ماده ۸ اصولنامه‌ی روم که تمام تخطی‌های شدید فوق را در بر دارد تحت پوشش قرار داده‌ایم.



### صلاحیت قضایی

- کانادا در قانون خود به چند اساس ادعای صلاحیت نموده است. کانادا یک صلاحیت فعال ملی و ارضی را اختیار نموده تا بتواند بالای جنایاتی که در قلمرو کانادا صورت می‌گیرد و یا شهروندان کانادا در کشورهای دیگر مرتکب می‌شوند حق پی‌گرد داشته‌باشد. علاوه‌تاً کانادا یک صلاحیت انفعالی ملی را نیز اختیار نموده تا بتواند جنایاتی را تحت پوشش قراردهد که علیه اتباع کانادا صورت گرفته است. هم‌چنان این قانون از صلاحیت قضایی جهانی نیز برخوردار می‌باشد تا کانادا بتواند هر شخص را، که در کانادا سکونت داشته‌باشد، بدون در نظر داشت تابعیت، به گمان ارتکاب جنایاتی که در قانون تذکر یافته است، تعقیب نماید.

- البته این صلاحیت قضایی جهانی مانند صلاحیت جهانی نیست که تا این اواخر در قانون بلجیم نافذ بود. این قانون به بلجیم اجازه می‌داد که بالای هر شخص، بدون در نظر داشت اینکه در



## قسمتی از سخنان آقای مارتین دی لابی در میزگرد



از جمله اشتراک کنندگان آقای مارتین دی لابی سفیر  
هالند در افغانستان بود که نامبرده در میزگرد مورخه  
۲۰۰۴/۱۲/۲۱ چنین اظهار داشت:

من از برگزار کننده این میزگرد «پامر» و وزارت امور  
خارجه افغانستان تشکر می نمایم و از این که به من فرصت  
داد نیز صمیمانه تشکر می نمایم. من به چند دلیل علاقه  
زیاد دارم که در باره ICC در این میزگرد صحبت نمایم.  
اول آنکه کشور هالند میزبان ICC می باشد و مقرر  
ICC در هالند موقعیت دارد. بدین خاطر هالند تلاش های  
زیادی را بخاطر به فعالیت انداختن ICC و گسترش آن  
به خرج می دهد. دوم آنکه هالند در حال حاضر ریاست دوره  
ای اتحادیه اریا را به عهده دارد. و اتحادیه اروپا به نمایندگی  
از شماری از کشورهای عضو از ICC حمایت می نماید.

تذکر داده است که دفاعیه متابعت از اوامر  
مافوق نمی تواند به اساس این عقیده باشد  
که اوامر مافوق قانونی بوده است، در حالیکه  
عقیده به اساس معلوماتی بوجود آمده باشد  
که ارتکاب اعمال غیر انسانی را علیه یک  
گروه تشویق نموده باشد. به طور مثال در  
وضعی مانند شرایط روندا، یک شخص  
نمی تواند ادعا نماید که وی برای اجرای یک  
امر، شخصی را کشته است، بخاطری که وی  
معلومات نفرت انگیزی را از طریق روزنامه و  
یا رادیو بدست آورده بود که یک گروه خاص  
را به صورت دیوانه معرفی می نمود.

• مطابق قانون کانادا، درخواست های  
خاص برائت ذمه ی گذشته، محکومیت  
گذشته و یا بخشش و عفو ی که در نتیجه  
محاکمات جعلی بوجود آمده باشند نمی توانند  
بحیث بهانه قرار گیرند. این موضوع مطابق  
اصل متممیت محکمه جزایی بین المللی  
میباشد.



### مجازات

• قانون کانادا هر نوع مجازات را (بشمول  
حبس ابد) اجازه می دهد. هر گاه جنایات،  
قتل را در بر داشته باشد، مجازات حداقل  
برایش موجود می باشد مثل حبس ابد برای  
قتل عمد. در قوانین کانادا مانند محکمه ی  
جزایی بین المللی مجازات مرگ پیش بینی  
نشده است.

امیدوارم معلومات کوتاه راجع به اقدامات کانادا  
در تطبیق اصولنامه ی روم محکمه ی جزایی  
بین المللی شما را نیز کمک نماید.



# مکلفیت‌های حقوقی افغانستان

## در قبال

### محکمه‌ی بین‌المللی جزایی (ICC)

ترجمه و نگارش:  
داکتر محمد قاسم هاشمزی



داکتر محمد قاسم هاشمزی

افغانستان در ماه فیبروری ۲۰۰۳ الحاق خود را منحیث امضاء کننده‌ی مقررات روم که به اساس آن محکمه بین‌المللی جنائی بوجود آمده است اعلام نمود.

متعاقب این الحاق وزارت خارجه‌ی افغانستان از یک حقوقدان مجرب درخواست نمود تا با مطالعه‌ی همه جانبه، پیرامون موضوع مکلفیت‌های افغانستان را در قبال این محکمه برجسته سازد. به اساس مطالعات فوق نکات آتی مکلفیت‌های عمده‌ی افغانستان را روشن می‌سازد.

محکمه‌ی بین‌المللی جنائی (ICC) منحیث یک محکمه‌ی مستقل دائمی بوجود آمده و به فعالیت آغاز نموده است. این محکمه بعد از سالها مذاکره و مفاهمه در مورد بوجود آوردن یک معیار و یک استندرد در مقابله با یک تعداد اعمال جنائی و همچنین بوجود آوردن یک میکانیزم جهت تطبیق این معیارها و استندردها، بوجود آمده، هدف اصلی تشکیل این محکمه دادن اطمینان است مبنی بر اینکه مرتکبین جرایم شدید به پیشگاه

عدالت محکمه بین‌المللی جنائی آورده می‌شوند، در صورتیکه محاکم ملی نتوانند و یا نخواهند چنین مرتکبین را به محکمه بکشانند.

افغانستان منحیث امضاء کننده‌ی مقررات محکمه بین‌المللی جنائی متعهد شده که با محکمه متذکره هم آهنگ رویه اختیار نماید و مقررات آنرا جامه عمل بپوشاند.<sup>(۱)</sup>

### پرنسیپ‌های بارز و مکلفیت‌های عمده در قبال محکمه‌ی بین‌المللی جنائی به قرار ذیل است:

۱- محکمه، صلاحیت قضائی خود را بالای جرایم ارتکاب شده در افغانستان از تاریخ اول می ۲۰۰۳ تاریخی که افغانستان مقررات روم را امضاء نموده و

## با امضای مقررات روم، افغانستان صلاحیت این محکمه را در مورد جرایم قتل عام، جرایم علیه بشریت، جرایم جنگی و تجاوز قبول می کند

دران حالت می تواند از درخواست محکمه بین المللی جنائی امتناع بعمل آورد که عملی نمودن درخواست تهدید را متوجه امنیت ملی افغانستان بدانند، افغانستان همچنین می تواند در مرحله جریان تعقیب جنائی محکمه مداخله کند و بگوید که افشاء شواهد و یا ارائه معلومات در محکمه تهدید را متوجه امنیت ملی افغانستان می نماید.

۱۴- در صورتیکه افغانستان از تعمیم درخواست محکمه امتناع بعمل آورد درینصورت محکمه می تواند راپور این امتناع را به اسامبله ممالک عضو و یا به مجمع عمومی ملل متحد ارائه بدارد.<sup>(۵)</sup>

۱۵- محکمه بین المللی جنائی دارای قدرت نظارتی بالای سیستم حقوق افغانستان می باشد.

دولت و دیگر مأمورین دولتی افغانستان، از مصئونیت در مقابل تعقیب جزائی برخوردار نمی باشند.

۸- محاکم افغانستان و محکمه بین المللی جنائی صلاحیت های همگون را در مقابل جرایمی که در افغانستان ارتکاب یافته، دارا می باشند.

۹- محکمه بین المللی جنائی قدرت و صلاحیت خود را مطابق مواد مقررات روم در قلمرو افغانستان عملی میکند، بدینوسیله حارنوال محکمه بین المللی جنائی صلاحیت دارد در قلمرو افغانستان تحقیق را بدون اجازه قبلی افغانستان براه اندازد.<sup>(۴)</sup>

۱۰- افغانستان می تواند از محکمه بین المللی جنائی طالب استعانت در مورد براه انداختن یک تحقیق و دایر نمودن محاکمه علیه یک جرم که از طرف مقررات روم هم جرم شناخته شده است، گردد.

۱۱- افغانستان مکلفیت دارد در مقابل درخواست محکمه بین المللی جنائی مبنی براه انداختن تحقیق و محاکمه مساعدت نماید.

۱۲- افغانستان ملکف است طرز العمل قانونی را درج قوانین خود بدارد که بموجب آن مساعدت به محکمه بین المللی جنائی براه انداخته شده بتواند.

۱۳- افغانستان صرف

انفاذ آنرا قبول کرده است، دریافت می دارد.

۲- در اسامبله ممالک عضو که به اساس مقررات فوق الذکر بوجود آمده است افغانستان می تواند دران یک عضو داشته باشد.

۳- افغانستان نمی تواند پیشنهاد استثنائات رد در مقابل مقررات روم ارائه بدارد مگر اینکه هفت سال از اشتراک افغانستان به مقررات روم سپری گردد بعد از سپری شدن این مدت افغانستان می تواند پیشنهاد تعدیل به مقررات روم را پیشنهاد کند.<sup>(۳)</sup>

۴- با امضای مقررات روم، افغانستان صلاحیت این محکمه را در مورد جرایم قتل عام، جرایم علیه بشریت، جرایم جنگی و تجاوز قبول می کند.<sup>(۳)</sup>

۵- قوانین داخلی افغانستان با معیارهای بین المللی باید همنوا ساخته شود و مشمول مقررات و یا مواد حقوقی گردد که ارتکاب اعمال مشمول مقررات روم را جزائی قلمداد نماید. علاوه آن افغانستان طبق قوانین خود مصئونیت حارنوال تحقیق قاضی و غیره پر سونل محکمه بین المللی جنائی را به رسمیت می شناسد.

۶- افغانستان مکلف است تا تصمیم محکمه را در مورد Reparation پرداخت جبران خساره تعمیم کند.

۷- مطابق به مقررات روم رئیس

## محکمه بین المللی جنائی

محکمه بین المللی جنائی مطابق مقررات تصویب شده روم بوجود آمده و مقر آن در هاگ می باشد، ساحه صلاحیت آن محدود به جرایم شدیدست که جامعه بین المللی در مجموع از ارتکاب آن هراس دارد، بخصوص جرایم قتل کتلوی، جرایم علیه بشریت، قتل جرایم جنگی و تجاوز و امثال آن (که از طرف محکمه مطابق فقرات مندرج چارتر ملل متحد تعریف می گردد).

این محکمه دارای شش دفتر می باشد: ریاست محکمه، دیوان استیناف، دیوان محاکمه، دفتر رسیدگی به امور قبل از محاکمه، دفتر حارنوالی و دفتر تحریرات.

## قانون قابل تطبیق

محکمه، حین تطبیق قانون و اصدار فیصله از سه منبع حقوقی استفاده می کند در قدم اول، مواد مندرج مقررات روم را تطبیق می کند در قدم دوم اگر لازم بداند از مقررات

و مواد کنوانسیونها و پرنسپهای حقوق بین الدول کار می گیرد. در آن مواردیکه مقررات روم و کنوانسیونها و حقوق بین الدول قابل تطبیق نداند در آن صورت از قانون مملکت متبوع مجرم که درحالات عادی بالای جرم تطبیق می گردد کار گرفته می شود به شرط آنکه قانون متذکره مخالف قانون بین الدول نباشد.

## محکمه می تواند یکی از

## جزاهای ذیل را بالای

## مجرم محکوم تطبیق کند

الف: جزای حبس که از ۳۰ ماه تجاوز نکند.

ب: جزای حبس عمری در صورتیکه نوع جرم شدید باشد.

بر علاوه حبس محکمه حکم به جزاهای ذیل نیز صادر کرده می تواند:

الف: جریمه نقدی به نحویکه از طرف مقررات روم پیش بینی شده است.

ب: ضبط مایحصل اموال و دارائی که بصورت مستقیم و یا غیر مستقیم اثر ارتکاب جرم بدست آمده باشد یا آنکه شخص ثالث ادعای حق را بالای

آن بکند.<sup>(۶)</sup>

## مکلفیت های عضو و نتایج الحاق به محکمه بین المللی جنائی

در این جا از صلاحیت محکمه بین المللی جنائی و قانون قابل تطبیق حرف می زنیم، این محکمه صلاحیت رسیدگی را بالای جرایمی که در افغانستان بعد از تاریخ اول می ۲۰۰۳ ارتکاب یافته است حائز می گردد این همان تاریخی است که افغانستان به مقررات روم تعهد بسته است، با قبولی عضویت افغانستان صلاحیت قضائی محکمه بین المللی جنائی را در مورد آن جرایمی که در قسمت اول یادداشت تذکر یافت، قبولدارگردید که، این جرایم عبارتند از قتل دسته جمعی، جرایم علیه بشریت، جرایم جنگی و تجاوز.

یک فرد زمانی در برابر این محکمه مسئولیت جنائی پیدا می کند که یکی از جرایم فوق را مرتکب شود و یا امر به ارتکاب آن بدهد و یا کسی دیگر را تشویق و تحریک کند و یا در ارتکاب آن معاونت نماید و یا به شکلی از اشکال حصه بگیرد و یا قصداً کمک در ارتکاب آن بعمل آورد و یا اینکه تشبیه به ارتکاب آن بکند.

محکمه صلاحیت قضائی بالای مجرم را وقتی پیدا می کند که عمر او بالاتر از ۱۸ سال در زمان ارتکاب جرم بوده باشد.

این محکمه درواری قضائی خود تابع مرور زمان نمی باشد بدین معنی که صلاحیت رسیدگی را در مورد

افغانستان ملکف است طرز العمل قانونی را درج

قوانین خود بنماید که بموجب آن

مساعدت به محکمه بین المللی جنائی

براه انداخته شده بتواند

بزودترین فرصت به حضور محکمه با صلاحیت افغانستان آورده می‌شود این محکمه تثبیت می‌دارد که اجراءات قانونی صورت گرفته و شخص مطابق احکام قانون توقیف‌گردیده و حقوق او مراعات گردیده اگر شخص مورد نظر محکمه بین‌المللی جنائی رضاکارانه تسلیم گردد دران صورت محکمه افغانستان می‌تواند درخواست رهائی مشروط را بکند. در صورتیکه درخواست رهائی مشروط وارد تلقی گردد درینصورت محکمه بین‌المللی جنائی واقف ساخته می‌شود، و سفارشات در مورد رهائی مشروط ارائه می‌گردد، اگر افغانستان متهم را رها می‌کند دیوان محکمه‌ی بین‌المللی جنائی می‌تواند از حکومت افغانستان رایور وقفه‌ای را در مورد متهم درخواست کند، در صورت درخواست، افغانستان مکلف است شخص مورد نظر را بزودترین فرصت به محکمه‌ی بین‌المللی جنائی تسلیم بدهد.<sup>(۸)</sup>

افغانستان حق دارد در هر مرحله محاکمه مداخله کند و ادعا بدارد که با افشاء معلومات و یا شواهد امنیت ملی



جرم در داخل صلاحیت محکمه جنائی بکند، افغانستان باید در قوانین ملی خود طرزالعملی را بگنجانند که زمینه را برای هر نوع مساعدت مطابق به احکام مقررات روم مهیا بسازد. دیوان رسیدگی به اجراءات قبل از محاکمه به مدعی‌العموم خود صلاحیت می‌دهد که اقدامات لازم را غرض تحقیق موضوع در افغانستان بدون اجازه حکومت اتخاذ نماید و این در آوانی صورت می‌گیرد که دیوان محکمه باین نتیجه برسد که افغانستان قادر نیست در خواست محکمه را خود عملی کند.

### درخواست دستگیری

اگر حکومت درخواست دستگیری و توقیف مضمون را از طرف محکمه بین‌المللی جنائی دریافت می‌دارد باید اجراءات عملی را فوری براه اندازد تا شخص مورد نظر مطابق قوانین محکمه توقیف گردد. شخص توقیف‌شده

این محکمه صلاحیت رسیدگی را بالای جرایمی که در افغانستان بعد از تاریخ اول می ۲۰۰۳ ارتکاب یافته است حائز می‌گردد این همان تاریخی است که افغانستان به مقررات روم تعهد بسته است

شروع تحقیق و به محاکمه کشانیدن و جزادادن مجرم با مرور زمان از دست نمی‌دهد.

محکمه بین‌المللی جنائی و دولت عضو هر دو صلاحیت رسیدگی به قضیه را دارند در صورتیکه محکمه بین‌المللی فردی را به اتهام ارتکاب یکی از جرایم فوق جلب کند و قضیه از ارگان‌های عدلی و قضائی افغانستان زیر تحقیق و رسیدگی قضائی قرار داشته باشد، درین احوال افغانستان در اولین فرصت باید محکمه بین‌المللی جنائی را مطلع بسازد.<sup>(۷)</sup> و اگر حارنوال محکمه بین‌المللی جنائی بالاخره تصمیم بگیرد که تحقیق را خود شروع کند درینصورت طرف افغانستان را مطلع بسازد.

### ترکیب و اداره محکمه

افغانستان می‌تواند یک کاندید برای احراز چوکی قضائی پیش‌کش کند ضرور نیست تا این کاندید یک افغان باشد اما باید یکی از اتباع ممالک عضو محکمه بین‌المللی جنائی باشد تمام قضات در اجرای وظایف خود مستقل می‌باشند.

### تحقیق و تعقیب عدلی

حارنوال محکمه بین‌المللی جنائی میتواند تحقیق را در افغانستان مطابق مواد مقررات روم براه اندازد، افغانستان باید همکاری همه جانبه را با محکمه‌ی جنائی در تحقیق و تعقیب

## فازنوال ممکمه بین المللی بنائی میتواند تحقیق را در افغانستان مطابق مواد مقررات روم براه اندازد

افغانستان در مخاطره می افتد. در صورتیکه چنین مداخله صورت بگیرد افغانستان باید در صدد آن باشد تا موضوع را با محاکمه بین المللی جنائی با مذاکره حل کند. در صورتیکه محکمه افشاء معلومات را برای تشخیص و توضیح قضیه حتمی بداند درانصورت افشای آن به نحو غیر علنی صورت می گیرد.

### همکاری بین المللی و محکمه های عدلی

محکمه بین المللی جنائی در هر وقت از افغانستان طالب کمک شده می تواند درخواست چنین همکاری می باید سری نگهداشته شود اگر افغانستان در مقابل درخواست محکمه، از همکاری امتناع بیاورد درین صورت محکمه ی بین المللی جنائی به اسامبله ممالک عضو و یا به شورای امنیت می تواند رایور بدهد.

ضمناً افغانستان باید اطمینان بدهد که میکانیزم همکاری به محکمه جنائی بین المللی در سیستم عدلی و جنایی ملی گنجانیده شده است. نکات ذیل نحوه همکاری را به

محکمه توضیح می کند:

تسلیمی افراد به

محکمه: افغانستان در

سیستم خود طرز العمل قانونی

را می گنجاند که بالموجب آن

درخواست محکمه مبنی بر

توقیفی و تسلیمی شخص

مظنون به محکمه بین المللی جنائی

عملی شده بتواند. در صورتیکه شخص

مظنون در برابر درخواست محکمه

مطابق به کدام ماده قانون داخلی

مقابله بنماید و چنین ارائه بدارد که او

در همین موضوع تحت محاکمه قرار

گرفته و یا اینکه توسط محکمه، حکم

علیه او صادر شده، درین حالت

افغانستان درخواست تعمیم تقاضا را به

تعویق می اندازد و داخل مشوره با

محکمه می گردد اگر محکمه بین المللی

حکم صادر کند که تقاضا تعمیم گردد

درینصورت افغانستان مکلف است

درخواست را عملی کند.

در صورتیکه مظنون در کشور

دیگری گرفتار و توقیف گردد افغانستان

باید اجازه بدهد که این مظنون از

خاکش عبور داده شود مگر اینکه در

خاکش خطر فرار موجود باشد.

هرگاه مظنون از راه هوایی انتقال

داده شود در چنین احوال ضرور نیست

اجازه افغانستان گرفته شود.

در صورتیکه تسلیم مظنون

گرفته شده از طرف یک دولت دیگر و

همچنین از طرف محکمه ی بین المللی

جنائی صورت بگیرد درینصورت

افغانستان به هر دو مقام در تماس شده

ولی به درخواست محکمه جنائی

بین المللی اولویت داده می شود.

نوع دیگر همکاری همانا قبولی

درخواست محکمه در اجرای تحقیق و

تعقیب متهم است. در صورتیکه

اقدامات محکمه بین المللی جنائی

بارتباط درخواست فوق با قوانین

افغانستان منافات داشته باشد

درینصورت مراجع افغانستان با محکمه

مذکور فوراً در تماس شده و کوشش

می شود تا راه حل برای موضوع

پیدا شود، محکمه می تواند نحوه ی

تقاضا را تغییر بدهد.

افغانستان صرف در حالتی می تواند

از درخواست محکمه امتناع بعمل آرد

که محتوای درخواست تهدید را متوجه

امنیت ملی افغانستان بسازد.

افغانستان اوراق و معلومات را به

خازنوالی محکمه بر مبنای سری

### این محکمه در واریسی

### قضائی خود تابع مرور

زمان نمی باشد بدین معنی

که صلاحیت رسیدگی را

در مورد شروع تحقیق و

به محاکمه کشانیدن و

جزا دادن مجرم با مرور

زمان از دست

نمی دهد.

**اول:** مصارف تامین امنیت، مصارف شاهدان و اهل خبره، ترجمان، مصارف سفر کارکنان محکمه، مصارف ترانسپورت شخص مظنون که به محکمه‌ی بین‌المللی تسلیم می‌شود.

**دوم:** هر مصرف فوق‌العاده که ناشی از درخواست محکمه‌ی بین‌المللی جنائی باشد.<sup>(۱۱)</sup>

### تطبیق جزاء:

جزای حبس از طرف مملکتی می‌گردد که در لیست ممالک تطبیق‌کننده‌ی جزاء نزد محکمه‌ی بین‌المللی موجود باشد و این ممالک حاضر باشند که تطبیق جزاء را به عهده‌بگیرد. کسانی که از طرف محکمه‌ی بین‌المللی جنائی محکوم قرار می‌گیرد می‌تواند میعاد حبس خود را در افغانستان سپری کند و آن در صورتیست که افغانستان تمایل خود را به محکمه تبارز بدهد که حاضر است محبوسین را قبول کند.

اگر افغانستان حاضر شود که محکومین به جزای حبس را قبول کند درین احوال می‌تواند شرایط خاص خود را در لیست رضاکاران این مأمول درج کند.

اگر افغانستان وقایع را پیش بینی می‌کند که سبب تغییر در شرط مجوزه حبس گردد، این جریان را باید در ظرف ۴۵ روز به محکمه اطلاع بدهد. درین احوال محکمه‌ی جنائی می‌تواند مملکت دیگری را تعیین کند که محبوس به آنجا فرستاده شده تا که بقیه مدت توقیفی به آنجا سپری شود، البته محکمه تمام عوامل را در مورد

نگهداشتن تسلیم می‌نماید درینصورت استفاده از معلومات سری صرف در آن حالات صورت می‌گیرد که سبب بوجود آوردن شواهد جدید گردد ولی متن اسناد و معلومات افشاشده نمی‌تواند مگر اینکه حکومت افغانستان اجازه بدهد افغانستان می‌تواند از محکمه تقاضای کمک را در مورد براه انداختن تحقیق و یا محاکمه در داخل افغانستان بارتباط آن عملی که از طرف مقررات هم جرم شمرده شده بنماید.<sup>(۱۰)</sup> در صورتیکه افغانستان مصروف تحقیق و یا محاکمه متهم در داخل باشد و از محکمه بین‌المللی جنائی درخواست تعقیب قضیه را از نگاه دیگر دریافت کند افغانستان می‌تواند تعقیب درخواست را برای یک مدت معین معقول معطل قرار دهد تا مرحله تحقیق و تعقیب که در جریان است خاتمه پیدا کند.

در آوانیکه افغانستان مواجه با مشکلات در مورد تعقیب درخواست محکمه‌ی بین‌المللی شود درینصورت با محکمه در تماس می‌شود و مشکلات را مطرح می‌کند. بصورت عموم محکمه‌ی بین‌المللی از افغانستان تقاضای آنرا نمی‌کند که مخالف قانون داخلی خودش و یا تعهدات بین‌المللی‌اش باشد.

افغانستان باید متحمل مصارف ناشی از درخواست محکمه‌ی بین‌المللی در براه انداختن تحقیق و تعقیب عدلی در داخل سرحدات خود شود اما استثنائات ذیل موجود شده می‌تواند:

## افغانستان باید اطمینان بدهد که میکانیزم همکاری به محکمه جنائی بین‌المللی در سیستم عدلی و جنایی ملی گنجانیده شده است



## افغانستان صرف در حالتی می‌تواند از درخواست محکمه امتناع بعمل آرد که محتوای درخواست تهدید را متوجه امنیت ملی افغانستان بسازد

نمی‌تواند در اسامبله رأی بدهد و در صورتیکه وجه تادیه شده مساوی و یا اضافه از حق العضویت دو ساله باشد و در حالیکه علت عدم تادیه دلایل باشد ماورای توان و کنترل عضو مدیون در آن صورت حق رأی به این مملکت داده می‌شود.

اندازه وجه اشتراک هر عضو به اساس یک مقیاس که از طرف ملل متحد پیش بینی شده تعیین می‌گردد.<sup>(۱۴)</sup>

اگر سوالی در باره اجراءات قضائی محکمه مطرح می‌شود درینصورت توسط خود محکمه به آن رسیدگی بعمل می‌آید.

و اگر منازعه بین دو و یا زیاده از ممالک در باره تفسیریکه متن قانونی عرض وجودکند و توسط تفاهم در ظرف سه ماه حل‌نگردد، در آن صورت موضوع به اسامبله عمومی محکمه رجعت داده می‌شود.

هیچ استثنائی در قسمت تطبیق مقررات روم مطرح شده نمی‌تواند لکن یک مملکت بعد از هفت سال

عضویت در محکمه می‌تواند تعدیل و یا تعدیلات را پیشنهادکند.

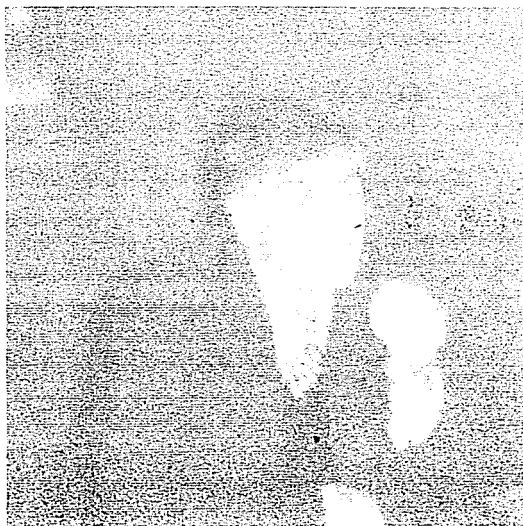
بالوسیله الحاق به مقررات روم افغانستان می‌تواند بگوید که برای مدت هفت سال بعد از انقاف مقررات روم که اول می ۲۰۰۳ است صلاحیت محکمه را

قرارداد موجود نباشد افغانستان می‌تواند از محکمه‌ی بین‌المللی جنائی تقاضاکند تا چنین یک درخواست را از آن مملکت بکند.

افغانستان مکلفیت دارد تا جزای حبس را به همان نحو که محکمه حکم نموده تطبیق کند و نمی‌تواند در شرایط حبس تغییر وارد کند. و این صرف از صلاحیت محکمه‌ی بین‌المللی جنائی است که تغییر در شرایط حبس بیاورد و یا درخواست دیگری را مبنی بر تجدید نظر شرایط حبس بشنود.

مقررات روم اسامبله ممالک عضو را که در آن هریک از ممالک عضو نماینده دارد، بوجود آورده هریک نماینده حق یک رأی را دارد و تضامیم به اساس توافق آرا گرفته می‌شود در صورتیکه توافق دو بر سه اعضای حاضر صورت می‌گیرد و اما در مسایل اجراءاتی به اکثریت اتخاذ می‌گردد.<sup>(۱۳)</sup>

هر مملکت عضو می باید وجه حق‌العضویت خود را بپردازد درغیر آن



موضوع تابعیت محکوم و نظریات محکوم را مد نظر می‌گیرد، اگر هیچ کشوری پیدانشود که محبوس را قبول کند درین احوال محبوس به مملکت میزبان، یعنی هالند، مدتی باقی‌مانده، توقیفی محکمه را بسر می‌رساند.<sup>(۱۲)</sup>

محکمه، همچنین حق دارد تا محکوم را به کشور دیگر، غرض سپری نمودن مدت حبس بفرستد، به محبوس هم حق داده می‌شود که تقاضای مملکتی را بکند، اگر افغانستان منحیت یکی از مشمولین لیست رضاکاران انتخاب می‌گردد که محبوس در آنجا حبس خود را سپری کند، افغانستان مکلفیت دارد تا این مامول را برآورده سازد، هیچ محبوس قبل از ختم میعاد حبس، رهاشده نمی‌تواند، بعد از ختم میعاد حبس افغانستان محبوس را به مملکتی که مکلفیت قبولی وی را دارد می‌سپارد. در صورتیکه مملکت دیگر درخواست اعاده و تعقیب این شخص رها یافته از حبس را با بکند افغانستان این شخص را به آن مملکت اعاده می‌کند. اگر هیچ مملکت حاضر نمی‌شود که مصارف صفر چنین یک شخص را بپردازد محکمه‌ی بین‌المللی جنائی متحمل پرداخت مصارف می‌گردد.

اگر محکوم که در حبس است فرار می‌کند و به یک مملکت دیگر جاگزین می‌گردد افغانستان می‌تواند این شخص را مطابق قرارداد اعاده‌ی مجرمین فی مابین دو مملکت درخواست کند، و اگر چنین یک

صفحه‌ی جدید تاریخ افغانستان نشان می‌دهد برای اینکه این تعهد جامه عمل پوشیده بتواند افغانستان باید قوانین داخلی خود را در جاییکه لازم است تعدیل کند و یا قواعد جدید چه متنی و چه اجرائی بوجود بیاورد که متمم مقررات روم باشد.



### پی نوشت ها

- ۱\_ ائتلاف ممالک در بوجو آوردن محکمه بین المللی جنایی آدرس انترنت: [WWW.iccnw.org/intra-duction.html](http://WWW.iccnw.org/intra-duction.html)
- ۲\_ مقررات روم برای محکمه جنایی ماده ۱۱ فقره ۲.
- ۳\_ مقررات روم برای محکمه بین المللی جنایی ماده ۱۲۰.
- ۴\_ مقررات روم ماده ۱۲۱، (۱) ۱۲، ۴۸، ۷۵، ۲۷.
- ۵\_ مقررات روم ماده ۵۴، ۹۳، ۸۸، ۸۷.
- ۶\_ مقررات روم ماده، ۵۴، ۹۳، ۸۸، ۸۷.
- ۷\_ مقررات روم ماده ۱۹.
- ۸\_ مقررات روم ماده ۵۹ فقره ۷.
- ۹\_ مقررات روم ماده ۸۹.
- ۱۰\_ مقررات روم ماده ۹۳ فقره ۱ تا ۵.
- ۱۱\_ مقررات روم ماده ۱۵۰.
- ۱۲\_ مقررات روم ماده ۷۰، ۷۳.
- ۱۳\_ مقررات روم ماده ۱۰۵.
- ۱۴\_ مقررات روم ماده ۱۱۲.
- ۱۵\_ مقررات روم ماده ۱۲۷.

داده بتواند از امتیازاتی که در مقررات تذکر داده شد برخوردار می‌باشد. بموجب مقررات روم رئیس دولت و دیگر مامورین دولت مصئونیت از تعقیب عدلی جرایمی که در مقررات روم تذکر داده شده دارانمی باشند با داشتن چنین رویه مقررات روم ممالک عضو را تشویق کرده می‌تواند که مقررات داخلی وضع کنند که بالوسيله آن تعقیب و محاکمه عمال دولتی در داخل کشور میسر شود.

ناگفته نماند اکثر کشورها ترجیح می‌دهند که محاکم داخلی کشورشان صلاحیت خویش را در قسمت محکمه و اتهامات وارده علیه عمال دولتی تمثیل کنند.

اگر افغانستان مقررات داخلی شبیه مقررات روم در قسم تحقیق و تعقیب مامورین خویش وضع کنند مراجع عدلی و قضائی افغانستان خود می‌توانند به چنین اقامات در عوض محکمه بین المللی جنائی عمل نمایند.

افغانستان باید مواد تقنینی را بوجود بیاورد و یا مواد گذشته را تعدیل کند که به موجب آن هموائی با مقررات روم بوجود بیاید.

بطور مثال افغانستان باید جرم بشماره ۱ آن اعمالی را که در مقررات روم جرم شناخته و همچنان مصئونیت حارنوالها، قضاوت و پرسونل عدلی و قضائی محکمه‌ی بین المللی جنائی را برتتمیت بشناسد. در نتیجه‌ی الحاق به محکمه‌ی بین المللی جنائی، افغانستان تعهد خویش را به حقوق بشر در یک

در قسمت رسیدگی به جرایم جنگی که از طرف اتباع این کشور در داخل کشورش ارتکاب می یابد قبولدار نمی‌گردد.

همچنین افغانستان می‌تواند الحاق خود را به مقررات روم بالوسيله یک نامه تحریری که به سرمنشی ملل متحد سپره می‌شود پس بگیرد. جدایی از مقررات یک سال بعد از تسلیمی درخواست تحریری صورت می‌گیرد.

اما افغانستان نمی‌تواند از مکلفیت‌های خود در مقابل محکمه بدلیل اینکه جدائی خود را اعلان نموده در طول مدت که عضو بوده سر باز زند. (۱۵)

چندین نکته در مقررات روم وجود دارد که باید افغانستان ملتفت آن باشد یکی آن قدرت و صلاحیت محکمه‌ی بین المللی جنائی است که در مقابل حاکمیت افغانستان قرار می‌گیرد. با وجودیکه محکمه‌ی بین المللی دارای صلاحیت‌های وافر به ارتباط تحقیق و تعقیب جرایم شامل مقررات است اما صلاحیت آن توسط مقررات روم محدود شده محکمه‌ی بین المللی جنائی سیستم حقوقی دول عضو خویش را مد نظر می‌گیرد و موقعیت حمایتی دیر مقابل آن اخذ می‌کند.

قضاوت محکمه تابع یک مدت معین ماموریت نمی‌باشند بدین وسیله از استقلال زاید در مقابل فشارهای سیاسی برخوردار می‌باشند همچنین حارنوالی محکمه تازمانیکه وظیفه‌ی تحقیق را به صلاحیت خویش انجام

هم محکمه روندا بوده است.

از این بعد دنیا متوجه این شد که یک محکمه دائمی جهانی را باید تاسیس نمایند که در تاسیس آن هزاران مؤسسات حقوقی بین‌المللی اشتراک نموده‌اند که با لاخره موفق شدند سند نهایی را در ۱۸ جولای ۱۹۹۸ امضاء نمایند.

این بسیار جای خوشحالی است که این محکمه صلاحیت عفو عمومی افراد را می‌گیرند. یک دارویی است برای التیام زخم‌ها و دردهای قربانیان. بناءً تصویب این سند از سوی دولت اسلامی افغانستان یک امر نیک و موجه بوده است و ما از آن پشتیبانی و حمایت می‌کنیم. امضاء آن هیچگونه تضاد با اسلام ندارد. چنانچه ما مطالعه می‌کنیم که توجه این محکمه برای باقی مانده‌های قربانیان است. اگر در آینده، دولتی در افغانستان به وجود بیاید و یا منافع‌شان در این باشد که مجرمین را به محاکمه نکشاند، وجود یک همچنین محکمه‌ی جهانی بسیار ضروری است که مجرمین را به محاکمه بکشاند.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، کاملاً از این پشتیبانی نموده، از هیچ نوع همکار دریغ نمی‌کند و ما بزودترین وقت توجه خود را که چگونه قانون داخلی افغانستان به قوانین بین‌المللی عیار شود، تسلیم مقامات قضایی دولت خواهیم نمود.

## التیام زخم‌ها و دردهای قربانیان

گزیده‌ای از سخنان ضیاء لنگریکمیسنر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان



آقای ضیا لنگری

وقتیکه بعد از جنگ دوم جهانی در حدود دو صد و پنجاه تصادمات بین‌المللی صورت گرفت، یک صد و هفتاد میلیون جمعیت متضرر شدند و بسیار کم بوده است که مجرمین آنها، به پای میز محکمه کشانیده شده است. بناءً ضرورت یک همچنین محکمه با صلاحیت در دنیا محسوس بود که، تا این گونه مجرمین به محاکمه کشانیده شوند.

ما چهار نوع اقدام را در سطح جهانی شاهد هستیم که اولین‌شان محکمه جهانی نورمبرگ است و همچنین یک محکمه اختصاصی به جاپان بوده است. و بعد از جنگ سرد، محکمه اختصاصی یوگوسلاویا و بعداً

من به نمایندگی از کمیسیون حقوق بشر از تشکیل دهندگان محکمه تشکر و قدردانی می‌کنم. امیدوارم که نتایج بحث میزگرد و نتایج بحث آینده سمینار یک راه‌کشایی باشد برای دولت افغانستان که قوانین داخلی خود را با محکمه ICC عیار نمایند.

وقتیکه تاریخ را مطالعه می‌کنیم وقتیکه مرتکبین همین چهار جرم را مرتکب می‌شوند، دولت‌ها و محکمه‌های داخلی نتوانسته‌اند که آنها را به میز محاکمه بکشاند و بعضی وقت‌ها جنایت آنها در کشورهای دیگر نیز سرایت می‌کند.

متوجه افغانستان گردید این بحث شامل بود که حکومت شجاعانه بوجود آمد و نهادهای اساسی که باید حقوق مردم را تأمین کند در معنی از بین رفته و یا بدست کسانی بود که به حقوق مردم کم توجه می کردند.

بنا بر همین ملحوظ بود که جامعه‌ی جهانی مسئولیت داشت افغانستان را برای بازسازی و حکومت‌شان کمک کند.

این مسئولیت برعهده‌ی شهروندان افغانستان است که یک محیط امن را برای زندگی عادی مردم فراهم کنند.

موافقت نامه‌ی «بن» طرح ساختار نهاد و پروسه رفورم وسیع را بیرون داد که تا افغانستان را دوباره در مسیر عادی قرار دهد.»

او در تداوم سخنانش افزود:

«این یک مرحله دراز و خسته‌کننده است و مردم این کشور هنوز انتظار قانون را می‌کشند که تا سایه‌ی تفنگ از سر آنها دور شود که بدبختانه تا کنون ادامه یافته و زندگی عده‌ای را در سایه‌ی خو دارد...»

او در باره‌ی اجزای محکمه بین‌المللی در افغانستان چنین یادآور شد:

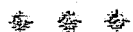
«در ماده ۷ قانون اساسی افغانستان آمده است:

افغانستان منشور و موافقت نامه‌ی سازمان ملل را امضاء کرده و بحقوق بشر احترام می‌گذارد.

این نیز قابل توجه است که افغانستان بیشتر از ۶ معاهدات بین‌المللی را تصویب و امضاء کرده ... و دو معاهده‌ی را در دوران حکومت موقت امضاء نموده و بدنبال آن در فبروری ۲۰۰۳ اصولنامه‌ی روم را امضاء کرده است که این معاهدات نشانه‌ی خوش آینده است.

همچنین او در اخیر سخنانش گفت:

«این مایه دل‌بستگی است که ببینیم میز گرد برای بحث و گفتگو توسط یک عده اعضاء کلیدی از وزراء و سازمانهای بین‌المللی برگزار می‌شود که تا اصول نامه‌ی روم را شامل قانون جزایی افغانستان نمایند.



## گزیده‌ای از بیانیه امیره حق معاون فرستاده خاص سرمنشی ملل متحد برای افغانستان



خانم امیره حق معاون فرستاده خاص سرمنشی ملل متحد برای افغانستان

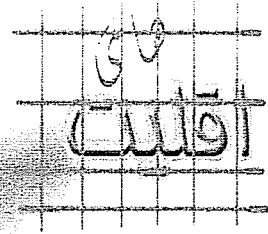
یکی از شرکت کنندگان میزگرد، خانم امیر حق معاون خاص سرمنشی ملل متحد برای افغانستان بود که نامبرده در سخنانش از جمله چنین گفت:

من می‌خواهم که قبل از همه از مجمع متخصصین افغانستانی طرفدار حقوق اقلیت‌ها تشکر کنم که این «میز گرد» را برای اجراء اصول محکمه جزایی بین‌المللی ICC. Statute سازمان داده است که در دستور قانون افغانستان شامل گردد.

او علاوه کرده گفت:

«بعد از دو دهه بیشتر جنگ و خرابی مردم و حکومت افغانستان آهسته و پیوسته حرکت می‌کنند که تا برگزشته‌ها غالب گردند.

وقتی که دل‌بستگی‌های جهانی دوباره در سال ۲۰۰۱



ملی «مذهبی» در

نوشته‌ی ج. علی اوحدی

## افغانستان

این اقلیت می‌شود که اقلیت ملی و مذهبی باشند و یا تنها اقلیت مذهبی و یا ملی باشند.

با در نظر داشت تلقی که ما از تعریف فوق داریم کشور ما دارای اقلیت‌های ملی، مذهبی و فرهنگی متعددی است که از آن جمله می‌توان ترکمن‌ها، بلوچ‌ها، نورستانی‌ها، سیک‌ها، هندوها، قرقیزها، عرب‌ها و قزلباش‌ها را می‌توان نامبرد و همچنین اقلیت مذهبی اسماعیلیه را نیز علاوه کرد.

### سیک‌ها و هندوها

سیک‌ها و هندوها با وجودیکه ریشه‌ی بسیار کهن و سابقه‌ی را در تاریخ افغانستان دارند و همیشه در کنار سایر ملیت‌ها و اقوام افغانستان زیسته‌اند، اما در سه دهه‌ی اخیر سخت مورد بی‌حرمتی و بی‌عدالتی عده‌ای از هموطنان‌شان قرار گرفته‌اند و دارائی‌های شان در بسیار از موارد به تاراج رفته و غارت شده و معابدشان تخریب گردیده است و هیچگونه حق هموطنی و همزیستی مسالمت آمیز و حقوق انسانی‌شان رعایت نگردیده است.

سابقه‌ی تاریخی هموطنان هندو و سیک ما، شاید پیش از قرن اول میلادی برسد اما در قرن اول میلادی به دوران اقتدار کوشانیان در تاریخ تثبیت شده است که آنها در کوشان شهر حضور داشته‌اند و کوه معروف که ما امروز نا انصافانه هندوکش

افغانستان مانند بسیاری از کشورهای جهان، کشوری است که از آغاز پدید آمدن آن در جغرافیای سیاسی و طبیعی جهان داری ملیت‌های مختلف بوده است. یعنی کشوری است که دارای ملیت‌های تقریباً باهم مساوی از قبیل پشتون‌ها، تاجیک‌ها، هزاره‌ها و ازبک‌ها و اقلیت‌های ملی متعدد دیگری می‌باشد. این اقلیت‌ها متأسفانه تا آن جائیکه در تاریخ گذشته و بخصوص در دو سه دهه‌ی اخیر بمشاهده می‌رسد کاملاً با یک سلسله بی‌عدالتی اجتماعی و سیاسی مواجه بوده‌اند، که بر خلاف موازین حقوق بشر از حق و حقوق یک شهروند بصورت عادلانه برخوردار نبوده‌اند، تعدی و ستمگری‌های فراوان را متحمل گردیده‌اند.

پیش از اینکه به معرفی و مسائل اقلیت‌های ملی و مذهبی افغانستان بپردازم، ضروری می‌دانم که مقوله‌ی اقلیت را از نظر اجتماعی و جامعه‌شناسی بشناسم که اقلیت ملی و مذهبی بکدام کتله‌ی انسانی اطلاق می‌گردد.

شاید بسیاری از ما می‌دانیم که اقلیت در مقوله جامعه‌شناسی سیاسی «گروهی از انسان‌هایی است که در کشوری حضور فیزیکی و شهروندی دارند که از نظر کمیت بر پایه‌ی اکثریت نفوس آن کشور نمی‌رسند و یک اقلیت را تشکیل می‌دهند. و اقلیت ملی و یا مذهبی آن کشور بحساب می‌آیند.

بشر و اعلامیه حقوق اقلیت‌ها تا هم‌اکنون سخت به انزوای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی قرار داشته و هیچگونه تبارز علنی وجودی و کار فرهنگی آزاد را آنطوریکه در مانده دوم اعلامیه حقوق اقلیت‌ها آمده است نداشته‌اند و بلکه به گونه‌ای از آن جلوگیری به عمل آمده است.

مذهب اسماعیلی در افغانستان در دوران اقتدار غزنویان بعد از بازگشت ناصر خسرو بلخی شاعر، ادیب و دانشمند علوم مذهبی، از زیارت حج در میهن‌شان خراسان در ساحه‌ی قلمرو بلخ پایه‌گذاری گردیده است و با وجودیکه پیروان‌شان از همان آوان آغازین با تعدیها و سختگیری‌ها و تعقیب و شکنجه‌ها مواجه بوده‌اند، به حیات مذهبی‌شان همچنان ادامه داده و گسترش یافته است.

حجت خراسان ناصر خسرو بلخی در راه زیارت حج به مصر می‌رود و به در باره فاطمی‌های مصر حضور به هم می‌رساند و به مذهب اسماعیلیه می‌گردد و بحیث **حجت خراسان** برگزیده می‌شود که تا مسئولیت تبلیغ و ارشاد مذهب اسماعیلیه را در خراسان عهده دار شده به پیش ببرد.

بعد از برگشت، تبلیغ‌شان را در بلخ باستان آغاز می‌کند و عده‌ای از تاجیکان و هزاره‌ها از همان آوان به مذهب اسماعیلیه گرویده و از پیروان مخلص حجت خراسان و مذهب اسماعیلیه می‌گردند.

انتشار این خبر دستگاه مذهبی رسمی دولت را عصبانی کرده و اقدام سرکوب‌گرایانه را آغاز می‌کند و به اذیت و آزار افراد و تلغین و تکفیر آنان می‌پردازند. جو اختناق و سرکوب فضای زندگی را برای حجت خراسان در بلخ تنگ می‌سازد و سرانجام به ناچار به طرف نقاط دور دست و کوهستانی بدخشان رو آورده و به یمگان اقامت‌گزین می‌شود و به تبلیغات مذهبی‌شان ادامه می‌دهد و مردم محل به پیمانه‌ی وسیع به مذهب اسماعیلیه گرویده و تا بهم اکنون بر مذهب‌شان پایدار می‌باشند و یک اقلیت مذهبی را در افغانستان تشکیل می‌دهند.

این اقلیت مذهبی در افغانستان تا به هم اکنون تبارز علنی جدی نداشته‌اند و از طرف مذاهب اکثریت حنفی و شیعی دوازده امامی هر دو مورد اهانت‌ها و اتهامات نا روا مواجه بوده است. اگر چه در سالهای اخیر به افتتاح کتابخانه‌ها و مراکز فرهنگی اقدام‌هایی را بوجود آورده‌اند که چندان چشمگیر و قابل ملاحظه‌ای نیست.

ادامه دارد...

می‌خوانیم در حقیقت بنام هندوکوه بوده است و بسا نام هندی دیگری نیز در افغانستان بمشاهده می‌رسد از جمله کلمه‌ی کوت است مثل شاولی کوت در قندهار که کلمه کوت واضحاً کلمه‌ی هندی بوده و در محاوره‌ی روز مره‌ی هندوان معنی قلعه را در زبان دری افاده می‌کند.

در زمان اقتدار سلسله‌ی مغولی هند در قرن شانزدهم، افغانستان و هندوستان کشور مشترک را تشکیل می‌دادند و هندوان و سایر ملل شبه قاره‌ی هند آزادانه در افغانستان رفت و آمد داشته و به تجارت می‌پرداختند.

فعلاً متأسفانه احصائیه دقیق در دست نداریم که مشخص کنیم کل جمعیت هموطنان سبک و هندوی ما تا به چه تعداد رسیده است. ولی آنچه را که خود آنها مدعی‌اند مجموع سبک‌ها و هندوها قریب به چهار لک می‌رسند که در شهرهای مختلف افغانستان مثل قندهار، غزنی، کابل، جلال آباد، قندوز و جاهای دیگر زندگی می‌کنند. در دو سه دهه بی مسئولیتی که در این سال‌های اخیر بوجود آمد رنج‌ها و مشکلات فراوان بر آنها تحمیل شده است و بسیاری‌شان کشور را ترک کرده و به کشورهای همجوار پناه برده‌اند و مایملک‌شان به تصرف اشخاص متعصب و تنگ نظر در آمده و غصب گردیده است.

با کمال تأسف تا آنجائیکه ما مطلع هستیم تا کنون دولت اسلامی افغانستان برای استرداد مایملک هموطنان سبک و هندوی ما در قندهار، غزنی، کابل، جلال آباد و جاهای دیگر کدام اقدام جدی و مؤثری را انجام نداده است و مجمع متخصصین افغانی طرفدار حقوق اقلیت‌ها «پامر» سخت بر موضوع نگرانی داشته و رسیدگی بر آن را خواهان است.

قانون اساسی افغانستان اقلیت‌های مذهبی را بصورت کم‌رنگ به رسمیت می‌شناسد ولی اعلامیه جهانی حقوق اقلیت‌ها را که در دسامبر ۱۹۹۶ شورای عمومی سازمان ملل به تصویب رسیده است، با سایر معاهدات سازمان ملل امضاء کرده است بناءً ایجاب می‌کند که دولت اسلامی افغانستان طبق تعهدات بین‌المللی خود به حقوق اقلیت‌های کثیرتور بالخصوص هندوان و سبک‌ها که مورد تعدی و بی حرمتی قرار گرفته‌اند، توجه جدی را مبذول دارد.

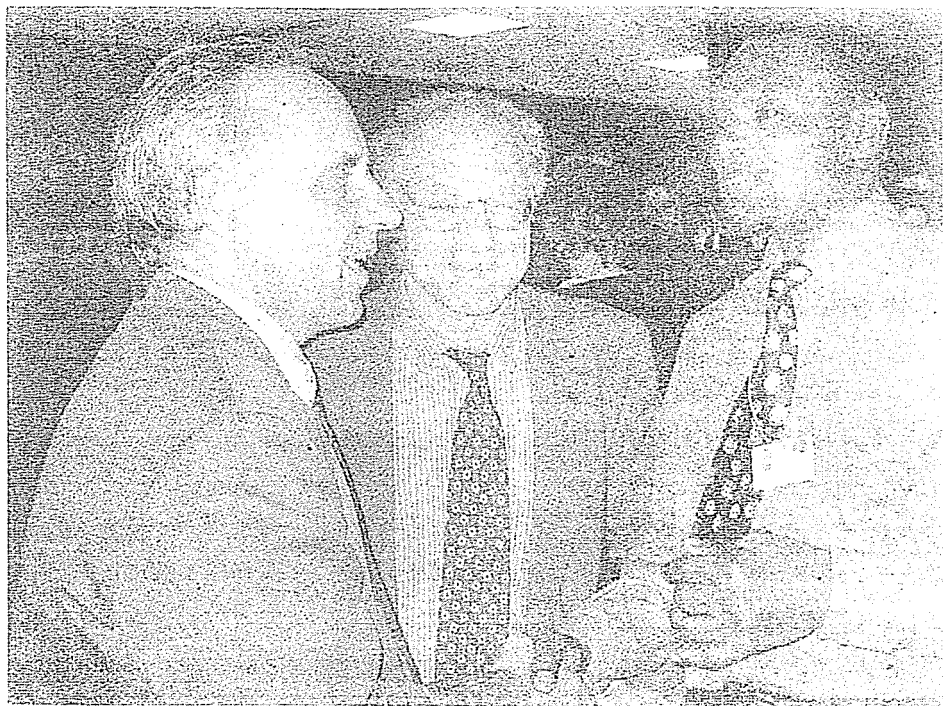
### اسماعیلیه‌ها

اقلیت مذهبی دیگری که در افغانستان حضور قابل ملاحظه دارند هموطنان اسماعیلیه ما می‌باشند که بر خلاف موازین حقوق

## حمایت و توسعه حقوق آسیب پذیران

( واحد قربانیان و شاهدان محکمه جزایی بین المللی )

ترجمه: استاد ابدالی



مناسب دیگر برای قربانیان و شاهدان و آنهاييکه به علت شهادت و يا تصديق در معرض خطر هستند ميباشد ، علاوهً اين واحد درحالاتي ميتواند دفتر حارنوال

Office of the (OTP) Prosecutor و محکمه را در موضوعاتی که تحت ماندت آن است مشورت بدهند . واحد قربانیان و شاهدان ، تريننگ ها و آموزش‌هایی را برای پرسونل محکمه خاصاً موضوعاتی که مربوط به اين گنگوري از انسانها باشد دایر میکند : مانند مسایلی چون آسیب دیده زخمی ، تجاوز جنسی ، امنیت و محرمیت.

همانطوریکه واحد قربانیان و شاهدان به تازه گی آغاز کار خویش را در جمهوری دموکراتیک کانگو و یوگندا اعلام کرده است ، این واحد در حال حاضر آماده گی میگیرد تا وظیفه اش را در آنجا انجام دهد.

انتظار میرود که تعداد کارمندان این واحد ( که حالا پنج نفر هستند ) به اندازه قابل ملاحظه در سال های آینده افزایش یابد.

شرح عکس

واحد قربانیان و شاهدان شاخه از دفتر ثبت اسناد است که مسوولیت حمایت و مشارکت شواهد را به عهده دارد درعکس از چپ به راست آقای برونوکاتالاکارمند اداره ثبت محکمه جزایی بین المللی ، آقای ریچارد دیگر از دیدبان حقوق بشر و آقای امیکو نگوند از انجمن حقوق بشر افریقا مقیم جمهوری دموکراتیک کانگو

بالتجّه واحد قربانیان و شاهدان مطابق فقره ۶ ماده ۴۳ اصولنامه روم بوجود آمد.

واحد قربانیان و شاهدان (VWU) Unit در دفتر ثبت اسناد تحت پروگرام فرعی بخش خدمات محکمه به میان آمده است.

هدف اصلی فعالیت این واحد رویدست گرفتن اقدامات حمایتی و ترتیبات امنیتی ، اعطای مشاورت ها و کمک های

زمانیکه اصولنامه روم محکمه جزایی بین المللی در سال ۱۹۹۸ مورد قبول قرار گرفت انتظار ختم رسم بی کیفی یگانه موضوع مورد توجه و ملاحظه کشور ها و سازمان های غیر حکومتی که آن قرارداد را مورد بحث قرار دادند نه بود ، با اهمیت مشابه و مساوی قربانیان و شاهدان نیز مورد توجه قرار گرفتند ،

هژده ساله میان حکومت ملی و شورشیان گروه مقاومت لارد ۱۶ میلیون نفر را وادار ساخت تا بیجا شوند ، ۲۰ هزار طفل به خاطر شامل ساختن در صفوف شورشیان مورد آدم ربایی قرار گرفتند و هزاران ملکی کشته شدند.

کشتار جمعی بیجا شده گان داخلی در کمپ ها ، حمله غافلگیرانه بالای ملکی ها به شمول چندین مورد حمله بالای مراکز خدمات بشر دوستانه و وسایط آنان ، ربودن اطفال معصوم غرض کار گیری از آنان به قسم سرباز جنگی و یا برده جنسی ، تماماً شیوه های جنگی است که قویاً توسط حقوق انسانی جنگ ممنوع قرار داده شده و جرایم جنگی ضد بشری را آنچنانیکه در اصولنامه روم تصریح شده است تشکیل میدهند.

با وجود این حقیقت که جامعه مدنی یوگندای شمالی از محکمه جزایی بین المللی به عنوان نهاد مبارزه علیه بی کیفی حمایت کردند حالا در رابطه به مداخلت کنونی محکمه موضوعات دیگری چون قانون عفو، رابطه تکمیلی با شیوه های عرفی غرض مذاکره و رسیدن به توافق و آشتی و سرنوشت اطفال ربوده شده سوالاتی متعددی را مطرح ساخته است.

درزمره خصوصیات برآزنده محلی ، آشتی و عفو شیوه های اساسی حل اصطکاک در اوگندای شمالی پنداشته میشوند ، مواردیکه حتی رضایت قربانیان و متضررین خشونت را

محکمه جزایی بین المللی دایمی نهایتاً بعد از پنجاه سال پس از محکمه نورنبرگ استقرار یافت و قضیه اولش را مورد تحقیق قرار می دهد

در مقایسه با محکمه موقتی (ad-hoc) برای یوگوسلاویای سابق وروندا ، محکمه جزایی بین المللی به مثابه ساختاریست که دیگر تابع سیاست نبوده ، تعقیب و محاکمه آنعه متهمین و مسوولین را که مرتکب نسل کشی، جرایم جنگی و یا جرایم ضد بشری شده اند انجام خواهد داد.

فعالین حقوق بشر برای استقرار محکمه جزایی بین المللی به عنوان وسیله ای که بتواند بر علیه رسم بی کیفی مرتکبین تخطی های بزرگ بشری مبارزه کنند سالها حمایت خویش را دوام داده اند.

بعد از بوجود آمدن اصولنامه روم در سال ۱۹۹۸ و قوت یافتن اجرایی آن در جولای ۲۰۰۲ قضیه یوگندای شمالی اولین قضیه ایست که تحت تحقیق محکمه قرار گرفت تصادمات

(نوشته : کارولین اورت کارمند هیئت ناروی برای مهاجرین در اوگندا ، ترجمه استاد ابدالی)

بعد از آنکه حارنوال محکمه جزایی بین المللی تصمیم خویش را در جنوری ۲۰۰۱ مبنی بر تحقیق اولین قضیه ای جرایم ضد بشری و جرایم جنگی ارتکاب یافته د ریوگندای شمالی اعلام کرد ، گروه های از جامعه مدنی آن کشور به گونه فزاینده در قسمت دخالت محکمه جزایی بین المللی متردد هستند.

حکومت اوگندا قضیه را بر علیه گروه مقاومت لارد Lord's Residence Army (LRA) بدو با حمایت قوی حقوق بشر و گروه های جامعه مدنی خارج کشور به محکمه ارجاع کرد.

به هر حال از جنوری به بعد ، به هر حال سازمانهای غیر حکومتی ، گروه های مذهبی و رهبران قبیلوی با صدور انتشار بیانیه های خطاب به مردم این موضوع را که تحقیق کنونی درین مقطع زمانی بیشتر زیان آور خواهد بود یا مفید ، آنرا زیرسوال برنده اند.

## عدالت بین المللی

یک مانع محتمل در راه

صلح در اوگندای شمالی

برانگیخته که آنرا موجب برگرداندن افراد ربوده شده به اجتماعات شان میبندارد.

با استفاده از عنعنه تبری که شامل اصول رهبری عنعنوی میشود، خلاف رفتارهای سابق مورد عفو قرار گرفته و مردمان دوباره در داخل اجتماعات شان مسکن گزین شده اند.

قانون عفو که در سال ۲۰۰۰ با حمایه و همکاری کامل، اجتماعات محلی بوجود آمد، متکی بر همین کلتور عفو و بخشش است، این قانون پوششی عفو بالای تمام شورشیان کشیده و قوانین دیگر را که در ضدیت با مستفید شونده گان این قانون باشد، ملغی قرار میدهد.

ماه های اخیر شاهد عودت شمار عظیم شورشیان به شمول برخی قوماندانان آن بود که با موفقیت برای عفو درخواست داده اند. این امر به طور ضمنی نشان میدهد که عفو میتواند اثر ممکن را بالای صلح نهایی داشته باشد چنانکه در حال حاضر حکومت اوگندا پیشنهادی تعدیل قانون مزبور را داده است تا قوماندانان ازین قانون

مستثنی قرار داده شود که تا الحال مورد تصویب قرار نگرفته است.

به هر حال محکمه جزایی بین المللی با هیچ یک از قوانین داخلی مقید نشده است و میتواند تصامیم

کمیسیون عفو را رد نماید. همچو تصمیمی می تواند تردید آنهای را که در صفوف گسترده شورشیان لارد قرار دارد برانگیخته و سپس دورنمای صلح را متاثر سازد

هرگاه تضمیناتی از توقیف شده گان واسترداد قریب الوقوع آنان به هاگ مطرح باشد ممکن مذاکرات بالقوه صلح با فرماندهی عالی گروه مقاومت لارد متاثر شود.

ترس آنکه گروه مقاومت لارد فعالیت های خویش را در جهت انتقام جویی از تحقیق محکمه جزایی بین المللی گسترش دهد نیز بی اساس نخواهد بود، چنانچه در گذشته نیز این

که خلاف میل شان در آنجا شامل اند می توانند اولین کسانی باشند که قربانی و مجنی علیه ای این عمل بالمثل باشند، حمایت قربانیان و شواهد بسیار مهم است تا سعی به عمل آید این امکانات منتفی نشود.

نهایتاً نظامیان حکومتی نیز متهم به ارتکاب تخطی های حقوق بشر هستند که همچنان بی کیفر باقی مانده اند، هر چند که اندازه آن با جرایم که گروه مقاومت لارد متهم به ارتکاب آن هستند، قابل مقایسه نیست.

نظر عمومی همچنان در یوگندای شمالی حاکی از آن است که جرایم خطیر حکومت نیز باید ذریعه محکمه جزایی بین المللی مورد پیگرد قرار گیرند.

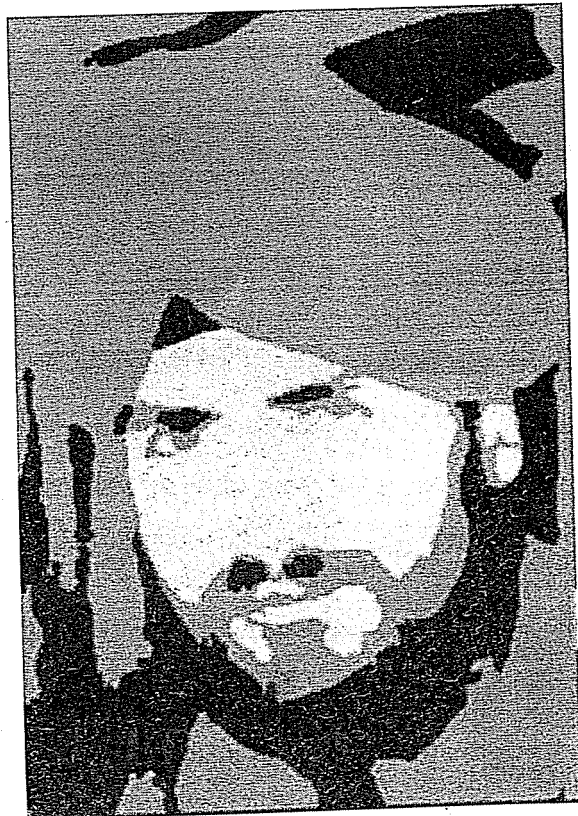
یک استقبال در یوگندای شمالی وجود دارد که تحقیقات که رسماً آغاز یافته است باید ادامه پیدا کند. به هر حال نهاد های جامعه مدنی با تاکید روی صلح ادامه خواهند داد و در مورد اینکه محکمه جزایی بین المللی می تواند به جنگ نقطه پایان گذارد یا اینکه بیشتر نقطه پایان امیدوار کننده ای را به تاخیر خواهد

انداخت متردد هستند. یک تأخیر زمانی برای تحقیق و بازرسی تا زمانیکه صلح بیاید، ترجیح داده میشود.

**تصادمات هژده ساله میان حکومت ملی و شورشیان گروه مقاومت لارد ۱،۶ میلیون نفر را وادار ساخت تا بیجا شوند، ۲۰ هزار طفل به خاطر شامل ساختن در صفوف شورشیان مورد آدم ربایی قرار گرفتند و هزاران ملکی کشته شدند.**

گروه توانایی خویش را در قسمت گرفتن انتقام از آنده اهالی که حکومت را حمایت یا تقویت نموده بودند نشان داده شده است. هزاران طفل هنوز هم در صفوف شورشیان است، اکثریت آنان

# اقلیت‌های مذهبی در کشور اسلامی

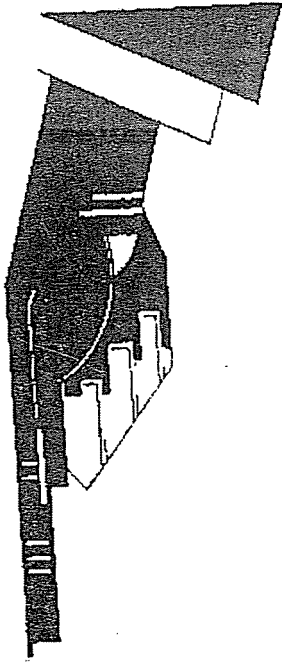


استشهاد بر عمل  
کرد بعضی  
نهادهای متعصب  
سختگیرانه‌ی  
اسلامی که در  
جوامع اسلامی دیده  
می‌شود دیدگاه  
خوش‌آیندی را  
راجع به موضوع  
ندارند و برخی  
دیگر برعکس بنا

مشکلات حضور داشته‌اند، بر مسئله خوش  
بین بوده و دیدگاه مثبتی را دارند.  
بناماً ایجاب می‌کند که بر قضیه واقع  
گرایانه و بدون در نظر داشت و ملحوظات  
تعلقی یک جانبه برخورد شود و مسئله از  
دیدگاه فقهی اسلامی و تاریخ مورد ارزیابی  
مختصر قرار داده شود. شکی نیست که اکثر  
کشورهای اسلامی دارای اقلیت‌های مذهبی  
می‌باشند و این اقلیت‌ها، یا یکی از شعبه‌های  
مذاهب اسلام می‌باشند و یا اینکه از ادیان و  
مذاهب دیگر یعنی مذاهب غیر اسلامی‌اند.

بر استاد متون اسلامی و موجودیت  
اقلیت‌های دینی و مذهبی که در چوکات  
حکومت‌های اولیه‌ی اسلامی بدون موانع و  
برای توضیح بیشتر باید یادآور شوم که  
در جوامع اسلامی مذهبی هستند که خود را  
مسلمان و مذهب‌شان را اسلامی می‌خوانند  
ولی مذهب حاکم و یا بهتر بگویم مذهب

اسلام و اقلیت‌های مذهبی یکی از  
مباحثی است که در جوامع جهانی امروز  
 مطرح بحث می‌باشد و برخی در این زمینه با



البته قابل یادآوری است که تمام ادیان و مذاهب مشهور عالم دارای کتاب‌های مدونه در مقررات عبادی و اجتماعی می‌باشند ولی مدعی نیستند که کتب آنها از آسمان نازل گردیده‌اند. فقط ادیان و مذاهب سامی‌اند که این موضوع در آن مطرح است و حتی مسیحیان نیز این ادعا را نداشته و می‌گویند که کتب انجیل تحت هدایت روح‌القدس به دست مؤلفین‌شان به تحریر درآمده است. هر یکی از کتب انجیل بنام مؤلفین‌شان مثل متا مرقیس یوحنا، لوقا و غیره شهرت دارند یعنی به همان نام مؤلفین‌شان خوانده می‌شود.

به هر حال بر اصل موضوع برمی‌گردم. علماء اسلام و فقهای مسلمین بر اهل کتاب و غیر اهل کتاب برخورد دوگانه‌ای داشته‌اند و بر اهل کتاب سهولت‌هایی را نسبت بر غیر اهل کتاب قائلند از قبیل معاشرت‌های اجتماعی و ازدواج و نشست و برخاست و داد و ستد و غیره را جایز می‌دانند.

فقهای اسلامی همه‌ی اقلیت‌های غیر

رسمی اکثریت، آنها را به حیث اسلام پذیرا نمی‌باشند مثل قادیان در پاکستان، بهائیان در ایران و اسماعیلیه‌ها در افغانستان. این اقلیت‌های مذهبی با وجودی که خود را مسلمان می‌دانند از طرف علماء دینی و مذهبی رایج و دولت‌های مربوطه‌شان غیر قانونی اعلان شده و محدودیت‌هایی جدی را بر آنها وضع کرده‌اند و برخلاف اعلامیه جهانی حقوق بشر و اصولنامه‌ی حقوق اقلیت‌ها به یک سلسله محدودیت‌ها و اذیت و آزارها از همان آغاز حضور و موجودیت‌شان مواجه بوده‌اند. در تنگ‌نای شدیدی قرار دارند که متأسفانه از طرف جامعه‌ی جهانی و سازمان‌ها و نهادهای حقوق بشری هم بر مشکلات آنها توجه جدی صورت نگرفته است. کتب و اسناد مذهبی قادیان در پاکستان و بهائیان در ایران و اسماعیلیه‌ها در افغانستان ممنوع‌الانتشار می‌باشد و مذهب خود را آزادانه تبارز داده نمی‌توانند.

اقلیت‌های دیگری که در جوامع مختلف اسلامی دیده می‌شوند و در اکثر کشورهای اسلامی حضور دارند اقلیت‌هایی‌اند که مربوط به مذهب غیر اسلامی و ادیان دیگر جهان می‌باشند که این ادیان و مذاهب از دیدگاه فقهاء اسلام و مسلمانان بدو کتگری دسته‌بندی گردیده‌اند:

یکی ادیان و مذاهب اهل کتاب،

دیگری ادیان و مذاهب غیر اهل کتاب:

الف: ادیان و مذاهب اهل کتاب مشخصاً بر مذاهب ادیان مسیحی و یهودی اطلاق می‌شود که بر اعتقاد جوامع اسلامی دارای کتاب آسمانی می‌باشند و خداوند باری تعالی روز گاری کتابهایی را برای آنان فرستاده‌اند و بنابر اعتقاد اسلامی این کتب بعد از رسالت حضرت محمد(ص) پیامبر اسلام، همه منسوخ گردیده‌اند.

ب: ادیان و مذاهب غیر اهل کتاب مذاهب و ادیانی هستند که دارای کتاب‌های آسمانی نیستند یعنی خداوند برای آنان کتابی را نازل نکرده است.

مالیاتی را بنام «جزیه» اخذ می‌کردند که عامه مسلمانان از آن مستثنی بودند.

در خصوص همین موضوع در اسناد تاریخی می‌خوانیم که مسیحیان بنی‌تعلب که عرب بودند از کلمه‌ی جزیه تنفر داشتند و در نزد خلیفه‌ی دوم مسلمین حضرت عمر(رض) بن خطاب آمده درخواست می‌کنند که مانند مسلمانان صدقه‌های دو چندان بپردازند اما چیزی را به نام «جزیه» پرداخت نکنند. حضرت عمر خلیفه‌ی دوم این درخواست آنها را پذیرفت و به آنها پیمان بست.

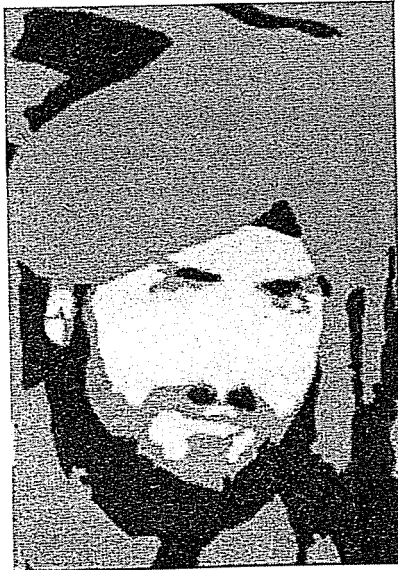
اما بعد در مورد آنها گفت: «طایفه‌ی کم‌خردی بودند از اسم فرار کردند و مسمی را پذیرفتند.» المعنی اثر این قداقه‌ج ۹.

با پرداخت جزیه اقلیت‌ها دینی در امریکه در فقه اسلامی بنام «احوال شخصیه» خوانده می‌شود، مختار بودند که در

## از آنجا که شریعت اسلامی مخصوص مسلمانان است دولت اسلامی شهروندان غیر مسلمان را آزاد گذاشته بود که دادگاه ویژه خود را داشته باشند

اسلامی را که در کشورهای اسلامی می‌باشند بنام «اهل ذمه» می‌خوانند و در قرون گذشته بنا بر اسناد تاریخی، حکومت‌های اسلامی که قسماً بر جوامع اسلامی بنام اسلام حکومت می‌کردند از اقلیت‌های دینی تابعه‌ی خود

و اعلامیه جهانی حقوق بشر و حقوق اقلیت‌ها که افغانستان آنرا امضاء و تصویب کرده است. بناءً در اختتام یادآوری این نکته را ضروری و بلکه الزامی می‌دانم که حکومت اسلامی افغانستان بنا بر مسئولیت‌های اسلامی‌شان و همچنین امضاء معاهدات بین‌المللی و تصویب و امضاء حقوق اقلیت‌های ملی و مذهبی این الزام را دارد که بر اقلیت ملی و مذهبی سبک‌ها، هندوها و اسماعیلیه‌ها توجه جدی را مبذول نماید و بر استرداد ما یملک آن‌ها اقدام کرده از طریق مسئولین مربوطه‌ی شان وارد عمل شوند و متخلفین را طبق مقررات قانونی به دادگاه بکشند، که در این راستا هیچ مانع دینی و مذهبی در راه اقدام شان وجود ندارد.



که بصارت به مسلمانان یادآور شده می‌گوید: «لاینها کم الله عن الذین لم یقاتلواکم فی الدین و لم یخرجوکم من ديارکم ان تبروهم و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین...» سوره‌ی الممتحنه آیه‌ی ۸.

«یعنی خداوند شما را از کسانی که در امور دینی با شما نجنگیده‌اند و شما را از دیارتان بیرون نکرده‌اند مانع نمی‌شود که با آنان نیکی کنید و با ایشان عدالت کنید که خداوند عادلان را دوست می‌دارد...».

این تسامح همانطوریکه قبلاً نیز یادآور شدم برای اهل کتاب بیشتر بوده است و این امتیاز به اساس مفاد آیه‌ی پنجم سوره المائده در قرآن می‌باشد که نکات مشخص و موضوعات روشن را تذکر می‌دهد.

«...و طعام الذین اوتواالکتاب حل لکم و طعامکم حل لہم و المحصنات من المومنات و المحصنات من الذین اوتوا الکتاب من قبلکم...».

«... و طعام کسانی که اهل کتابند (یهودیان و مسیحیان) برای شما و طعام شما برای آنان حلال است و زنان پاکدامن مسلمان و زنان پاکدامن کسانی که اهل کتاب می‌باشند برای شما حلال است یعنی می‌توانید که با ایشان ازدواج نمایید...».

بنا بر مفاد آیه‌ی فوق اکثر فقهای اسلامی خوردن غذا و ازدواج و دیگر معاشرتهای اجتماعی را با اقلیت‌های دینی اهل کتاب جایز دانسته ولی عده‌ای هم نظرات دیگری دارند که بحث آن در این مقوله سخن را به درازا می‌کشد از آن صرف نظر گردید و آنچه که از بیان مطالب فوق استشهاد می‌شود این است که در جامعه‌ی ما اقلیت‌های مذهبی، اسلامی و غیر اسلامی حضور و شهروندی دارند. با در نظرداشتن سهولت‌هایی که اسلام برای اهل ذمه قائلند

چوکات و محدودیت اجتماعی خود مثل اعیاد عبادات و مسایل ازدواج، طلاق و غیره را بدون موانع طبق موازین دینی و مذاهب خود انجام دهند.

در مسایل مجازات و حدود شرعی فقهای اسلامی دیدگاه‌های مختلف دارند اما دیدگاه امام اعظم ابوحنیفه (که مذاهب کثیریت مردم کشور ما نیز است) در مورد زنان اهل کتاب یعنی یهودیان و مسیحیان که در قلمرو حکومت اسلامی زندگی می‌کنند آنست که باید فقط شلاق زده شده و «رجم» سنگسار نشود.

راجع به اجرائی حدود شرعی بر اهل ذمه نیز نظرات واحدی وجود ندارد و برخی آن را ویژه‌ی دادگاه اسلامی و برخی آن را مختص بخودشان می‌دانند.

از مطالعات تاریخی بدست می‌آید که «اهل ذمه» در بسیاری از کشورهای اسلامی محاکمات جزایی مخصوص بخود داشته‌اند و طبق مقررات دینی و مذهبی خود مجرمین را به محاکمه کشیده مجازات می‌کردند. چنانچه آدام متز مورخ غربی در کتاب تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری می‌نویسد:

«... از آنجا که شریعت اسلامی مخصوص مسلمانان است دولت اسلامی شهروندان غیر مسلمان را آزاد گذاشته بود که دادگاه ویژه خود را داشته باشند تا آنجا که ما خبر داریم قاضی دادگاه از مجرای کنیسه می‌گذشت و رؤسای دادگاه را از روحانیون مسیحی تعیین می‌کردند که کتاب‌های قانونی زیاد نوشته بودند، بیشتر کتاب‌های آنها شامل احکام ازدواج، میراث و منازعات مسیحیان بود که بدولت اسلامی ربط نداشت...».

با در نظرداشتن مطالب تاریخی فوق و مطالعات فقهی اسلامی بخوبی درک می‌شود که «اهل ذمه» در جوامع اسلامی مواجه به تقیدات شدید از طرف حکام اسلامی نبوده‌اند و این تسامح ناشی از دستور قرآنی می‌شود

## تجاوز:

ترجمه: استاد ابدالی

## جرم اصلی



نمایندگان قریب پنجاه کشور اشتراک کننده در اجلاسیه جون در مورد جرم تجاوز تدویر یافته در پرستون ۲۱ الی ۲۳ جون ۲۰۰۴

## یا جرم غیر مشمول در اصولنامه‌ی روم

اسامبله کشور های عضو در مورد جرم تجاوز بود که از تاریخ ۲۱-۲۳ جون سال ۲۰۰۴ در پرستون نیوجرسی تدویر یافت ، انتظار برده میشد که گروپ کاری دو نشست نیم روزه را در اسامبله قریب والوقوع کشور های عضو داشته باشد.

چی چیزی میتوانست در ظرف آن شش ساعت تکمیل شود ، بسیاری مسایل مربوط به تجاوز لاینحل باقی مانده بود، گروپ کاری مختصراً در جلسه دوم اسامبله ملاقات نمود مگر نماینده گان قادر نشدند تاجیزی بیشتری انجام دهند ، صرفاً توانستند توسط اصدار بیانیه ای برخی مسایل را مختصراً مشخص سازند.

ملاقات بین اجلاسیه مجلس به اقدامات مختلفی منتهی شد اشتراک کننده گان در صدا آن برآمدند تا نقش مختصرو غیر رسمی را در رابطه به تجدید نظر بعضی قسمت های اصولنامه به عهده بگیرند البته با نیت اینکه چی نوع

جرم تجاوز در لست جرایم شامل ماده ۵ اصولنامه محکمه جزایی بین المللی عرض اندام نموده مگر محکمه نمیتواند عجالاً صلاحیت قضایی خویش را به علت فقدان تعریف و شرایطی که محکمه بتواند این صلاحیت را نفاذ بخشد ، بالای آن اعمال نماید. با وجودیکه نماینده گان در کنفرانس دیپلماتیک روم نتوانستند روی تعریف مشخصی در باره جرم تجاوز موافقت حاصل کنند ، آنها از کمیسیون مقدماتی محکمه جزایی بین المللی مطالبه کردند تاروی مسوده ای درین رابطه کار نمایند . کمیسیون مقدماتی ، فعالیت خویش را در جهت هماهنگ نمودن مباحثات و تهیه یک متن متمرکز ساخت تا گزینش مختلفی را که دولت ها جمع آوری نموده مورد مذاقه قرار بدهند هر چند که دولت ها به موافقت کامل نایل نشدند. این متن موضوع بحث گروپ کاری اسامبله فرارگرفت که توسط کریستان وینا ویسر سفیر لیختنشتاین پیش برده شد که همزمان با اولین راپور

تعدیلات اضافی در اصولنامه آورده شود تا جرم تجاوز با موادات اصولنامه وفق حاصل کند.

به ویژه ماده ۱۱ ( صلاحیت محکمه از نقطه نظر زمانی) جز دوم ( صلاحیت ، مجاز بودن و قانون قابل تطبیق) و جز سوم ( پرنسیپ های عمومی حقوق جزا) را مورد مذاقه قرار بدهند.

ملاقات بین اجلاسیه ها یک قدم موثر را در پیش برد این پروسه نشان داد به خصوص آنکه وقت اضافی و قابل ملاحظه رادر اختیار دیپلومات ها قرارداد تا بیشتر روی جرم تجاوز مکت نموده و مسایل اساسی را در یک فضای باز وسازنده مورد بحث قرار دهند.

حکومت لیختنشتاین بایستی به خاطر رهبری پروسه ( مسایل مربوط به جرم تجاوز ) ، همچنان به خاطر معاونت و مساعدت ارگان بین اجلاس مورد قردانی قرار گیرد، بنابراین اجلاسیه مجلس در قسمت معین و محدود کردن این مسایل به انکشافاتی نایل آمد ، بر علاوه این مباحثات کمک نمود تا در مورد جرم تجاوز کار صورت گیرد. یعنی اینکه در بین دولت ها موافقتی و جود ندارد که آیا جرم تجاوز عیناً مثل جرم نسل کشی ، جرایم ضد بشری و جرایم جنگی در اصولنامه مورد توجه باشد یا اینکه ضمیمه جرایم متمم دیگر چون قاچاق مواد مخدر و تروریزم باشد ، مخصوصاً جرایم که محکمه صرفاً صلاحیت دارد آنرا تحت صلاحیت قضایی خود قرار دهد.

گنجانیدن جرم تجاوز در زمره جرایم اصلی پیش بینی شده در ماده ۵ به قصد آن بود تا از طریق توافقی و سازشی بین آنها پدید آید مگر آوردن وجات بخشیدن به این موازنه عمدتاً مشکل ثابت شد . هرگاه جرم تجاوز از جمله جرایم اصلی شناخته شود ، گنجانیدن آن احتمالاً به مفهوم آن خواهد بود که تمام مقررات اصولنامه روم همانطوریکه که بالای جرایم اصلی دیگر تطبیق میشود بالای جرم تجاوز نیز تطبیق شود ، این نظر در جریان اجلاسیه ها مورد پشتیبانی قرار گرفت.

اشتراک کننده گان گروپ کاری به هر حال باید تصمیم بگیرند که چگونه مقررات مربوط به جرم تجاوز را با اصولنامه روم به هم بیامیزد.

شیوه کار توسط ماده ۱۲۱ و ۱۲۳ اصولنامه تنظیم شده است ، با آن هم این کاملاً روشن نیست که چگونه مقررات مربوط به ماده ۱۲۱ بالای جرم تجاوز تطبیق شود هرگاه فقره ۴ ماده ۱۲۱ بالای جرم تجاوز تطبیق شود ، مقررات مربوط به جرم تجاوز یکسال بعد از آنکه ۷ بر ۸ حصه اعضا آنرا تصویب کردند بالای تمام کشورها قابل تطبیق خواهد بود. هرگاه فقره ۵ ماده ۱۲۱ تطبیق شود مقررات مربوط به جرم تجاوز تنها بالای اعضای تطبیق خواهد شد که تعدیلات را تصویب کرده باشند. مشابه چیزیکه بخواهند رژیمی را بپذیرند که شامل آن شوند یا نشوند.

مقررات مربوط فقره ۵ ماده ۱۲۱ بیشتر محدود کننده مقررات آینده در مورد جرم تجاوز است با مسلم ساختن این امر که کشوریکه در آن جرم تجاوز ارتکاب یافته و هم کشوریکه متهم تبعه آنست باید هر دو مقررات مربوط به جرم تجاوز را تصویب کرده و یا پذیرفته باشند. تغییر ماده های ۵-۶-۷-۸ به عنوان کلیدی لازمی خواهد بود هرگاه جرم تجاوز شامل اصولنامه باشد چیزیکه میتواند موجبات تطبیق فقره ۵ ماده ۱۲۱ را فراهم سازد.

ملاحظات زیادی باید در جلسات باز موقعیکه بالای تعریف جرم تجاوز کار صورت میگیرد و شرایطیکه صلاحیت قضایی محکمه بتواند بالای آن تطبیق شود مد نظر گرفته شود. در پروسه این مباحثات کشورها با گذشته های مهم تاریخی مواجه میشوند چیزیکه آنها را رهنمایی خواهد کرد نه اینکه جهتی را که باید انتخاب کنند قطع نماید، در خاتمه انتخاب باید صورت گیرد که ممکن با توجه به حدود تعریف جرم و یا صلاحیت مورد موافقت اعضا ، دولت ها بیشتر یا کمتر در قسمت تطبیق وسیع مقررات فقره ۴ ماده ۱۲۱ ، بالعکس فقره ۵ ماده ۱۲۱ احساس راحتی نماید.

## موافقت نامه

### امتیازات و مصوونیت‌ها

#### حایز قوت اجرایی شد

کشورهای عضو در ۹ سپتامبر ۲۰۰۲ پذیرفته شده و ۶۲ امضا را قبل از موعد مقرر یعنی ۳۰ جون حاصل کرد. تمام دولت‌ها صرف نظر از آنکه اصولنامه روم را تصویب کرده باشند، تشویق شدند تا این موافقت نامه را امضا کرده و یا به آن رضایت نشان بدهند تا توانایی آن گسترش حاصل کند. بعد از تصویب کانادا، کشورهای مالی و پانامه موافقت نامه را بالترتیب به تاریخ‌های ۸ جولای و ۱۶ اگست تصویب کردند.

جهت مشابه امتیازات و مصوونیت‌های بود که اعضای ملل متحد و سازمانهای دیگر بین المللی از آن مستفید میشوند، چیزیکه نیازمند آن بود تا حد اقل ده دولت آنرا در مطابقت با ماده ۳۵ اصولنامه روم تصویب نموده لازم الاجرا سازند. موافقت نامه توسط اسامبله

ترجمه: استاد ابدالی

موافقت نامه امتیازات و مصوونیت‌های محکمه جزایی بین المللی یا (APIC) به خاطر اعطای برخی امتیازات و مصوونیت‌های لازمی برای کارمندان رسمی و پرسونل محکمه جزایی بین المللی (ICC) به تاریخ ۲۲ جنوری ۲۰۰۴ حایز قوت اجرایی شد تا آنها بتوانند در یک فضای آزادانه و نامشروط وظایف خود را پیش ببرند البته این موافقت نامه بالای کشور‌های که آنرا تصویب کرده اند لازم الاجرا خواهد بود.

موافقت نامه امتیازات و مصوونیت‌ها زمانی فراهم شده و حایز قوت اجرایی گردید که در ۲۲ جون کانادا به عنوان دهمین کشور تصویب کننده این موافقت نامه درآمد. موافقت نامه امتیازات و مصوونیت‌ها همان موافقت نامه ایست که در ماده ۴۸ اصولنامه روم طرح و پیشینی شده که در تمام



کانادا دهمین کشوری بود که موافقت نامه امتیازات و مصوونیت‌ها را مورد تصویب قرار داد و آنرا در ۲۲ جون ۲۰۰۴ حایز قدرت اجرایی ساخت درعکس کیلیرت لورن سفیر و معاون نماینده گی دایمی کانادا و خانم ژاک معاون بخش قرار داد‌های ملل متحد

## جرائم تحت پیگرد در محکمه‌ی بین‌المللی و اصولنامه‌ی روم (گزیده‌ای از اصولنامه‌ی روم)

منتهی به زوال قوای جسمی کلی یا جزئی آن بشود؛ اقداماتی که به منظور جلوگیری از تولد و تناسل یک گروه صورت گیرد؛ انتقال اجباری اطفال یک گروه به گروه دیگر.

### ماده ۷

#### جنایات ضد بشریت

۱- منظور از جنایات ضد بشریت در این اساسنامه عبارت از اعمال مشروعه ذیل است:  
هنگامی که در چارچوب یک حمله گسترده یا سازمان یافته بر ضد یک جمعیت غیر نظامی و یا علم به آن حمله ارتکاب می‌گردد.  
الف: قتل؛

ب: ریشه کن کردن؛

ج: به بردگی گرفتن؛

د: تبعید یا کوچ اجباری یک جمعیت؛

اعمال صلاحیت خواهد کرد، تصویب شده باشد.

این مقررات باید هماهنگ با مقررات مربوط در منشور ملل متحد باشد.

### ماده ۶

#### نسل‌کشی

منظور از نسل‌کشی در این اساسنامه عبارت از اعمال مشروحه ذیل است که به قصد نابود کردن تمام یا قسمتی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی از حیث همین عناوین ارتکاب می‌یابد.  
الف: قتل اعضای یک گروه؛

ب: ایراد صدمه شدید نسبت به سلامت جسمی یا روحی اعضای یک گروه؛

ج: قراردادن عمدی یک گروه در معرض وضعیات زندگی نامناسب که

### ماده ۵

#### جرائم داخل در صلاحیت محکمه

۱- صلاحیت محکمه منحصر است به خطیرترین جرائم مورد اهتمام مجموعه جامعه بین‌المللی. محکمه به موجب این اساسنامه نسبت به جرائم زیر صلاحیت رسیدگی دارد.

#### الف- جنایت نسل‌کشی

#### ب- جنایات ضد بشریت

#### ج- جنایات جنگی

#### د- جنایات تجاوز

۲- محکمه زمانی در مورد جنایت تجاوز اعمال صلاحیت خواهد کرد که مطابق مواد ۱۲۱ و ۱۲۳ مقررات مربوط به آن شامل تعریف این جنایت و تعیین شروطی که در محکمه به موجب آن در خصوص این جنایت

ه: حبس کردن یا ایجاد محرومیت شدید از آزادی جسمانی که بر خلاف قواعد اساسی حقوق بین الملل انجام می شود.  
و: شکنجه؛

ز: تجاوز جنسی، برده گیری جنسی، فحشای اجباری، حاملگی اجباری، عقیم کردن اجباری، یا هر شکل دیگر خشونت جنسی همسنگ با آنها؛

ح: تعقیب و آزار هر گروه یا مجموعه مشخصی به علل سیاسی، نژادی، ملی، قومی، فرهنگی، مذهبی، جنسیت یا علل دیگر در ارتباط با هر یک از اعمال مذکور در این بند یا هر جنایت مشمول صلاحیت دیوان، که در سراسر جهان به موجب حقوق بین الملل غیر مجاز شناخته شده است؛

ط: ناپدید کردن اجباری اشخاص؛  
ی: جنایت تبعیض نژادی؛

ک: اعمال غیر انسانی مشابه دیگری که عامداً به قصد ایجاد رنج عظیم یا صدمه شدید به جسم یا به سلامت روحی و جسمی صورت پذیرد.

۲- منظور از (تعبیرات به کار رفته در بند ۱ این ماده)

الف: حمله گسترده یا سازمان یافته بر ضد هر جمعیت غیر نظامی: رفتاری است مشتمل بر ارتکاب چندین عمل از اعمال مذکور در بند ۱ بر ضد هر جمعیت غیر نظامی که در تعقیب یا پیشبرد سیاست یک دولت یا یک

سازمان برای انجام چنین حمله ای صورت گرفته باشد.

ب: ریشه کن کردن: شامل تحمیل عمدی وضعیت خاصی از زندگی است از جمله محروم کردن از دسترسی به غذا و دارو که به منظور منهدم کردن بخشی از یک جمعیت برنامه ریزی می شود.

ج: به غلامی گرفتن: یعنی اعمال اختیارات مربوط به حق مالکیت بر انسان و مشتمل است بر اعمال چنین اختیاری در جهت خرید و فروش انسان به ویژه زنان و کودکان.

د: تبعید یا کوچ اجباری: یعنی جابه جا کردن اجباری اشخاص مورد نظر از طریق بیرون راندن یا دیگر اعمال قهر آمیز از منطقه ای که قانوناً در آنجا حضور دارند. بدون مجوزی بر اساس حقوق بین الملل.

ه: حاملگی اجباری: یعنی حبس کردن غیر قانونی زنی که به زور حامله شده است به قصد تأثیر گذاری بر ترکیب قومی یک جمعیت یا دیگر نقضهای فاحش حقوق بین الملل. این تعریف به هیچوجه نباید طوری تفسیر شود که بر قانون ملی (داخلی کشور) مربوط به حاملگی تأثیر بگذارد.

ز: تعقیب و آزار: یعنی محروم کردن عمدی و شدید از حقوق اساسی بر خلاف حقوق بین الملل به دلیل هویت آن گروه یا مجموعه.

ح: جنایت تبعیض نژادی: یعنی ارتکاب اعمال غیر انسانی از نوع اعمال مذکور در بند ۱ از طریق یک رژیم نهادینه شده و ایجاد فشار و سلطه منظم توسط یک گروه نژادی بر یک گروه یا گروههای نژادی دیگر و ارتکاب آن اعمال به قصد حفظ و نگهداری آن رژیم.

ط: نا پدید کردن اجباری اشخاص: یعنی بازداشت یا حبس یا ربودن اشخاص توسط یک دولت یا سازمان سیاسی یا با اجازه یا حمایت یا رضایت آنها و سپس امتناع از اعتراف به محرومیت این اشخاص از آزادی یا امتناع از دادن اطلاعات از سرنوشت یا محل وجود آنان با قصد دور کردن آنان از حمایت قانون برای مدت طولانی.

۳- در این اساسنامه منظور از اصطلاح جنسیت<sup>(۱)</sup> مفهومی است که عرفاً به دو جنس مرد و زن اطلاق می شود. اصطلاح جنسیت به هیچ معنای دیگری غیر از معنا فوق دلالت نخواهد کرد.

## ماده ۸

### جنایات جنگی

۱- محکمه نسبت به جنایات جنگی صلاحیت دارد به ویژه هنگامی که در قالب یک برنامه یا سیاست عمومی یا

ای برای دفاع ندارد و از روی اختیار تسلیم شده است:

۷\_ سوء استفاده از پرچم متار که جنگ یا پرچم نشانهای و لباسها متحد الشكل دشمن یا سازمان ملل یا علائم مشخصه معایدات ژنف به طوری که منجر به مرگ یا آسیب شدید به اشخاص شود;

۸\_ اقدام دولت اشغالگر به طور مستقیم یا غیر مستقیم برای انتقال بخشهایی از جمعیت غیر نظامی اش به سرزمینی که اشغال می کند یا تبعید یا انتقال تمام یا بخشهایی از جمعیت سرزمین اشغالی در داخل یا به خارج از سرزمین;

۹\_ هدایت عمدی حملات بر ضد ساختمانهایی که برای مقاصد مذهبی، آموزشی، هنری، علمی یا خیریه اختصاص یافته و حمله به آثار تاریخی، شفاخانه ها و مکانهای تجمع بیماران زخمی ها مشروط بر آن که آن مکانها اهداف نظامی نباشند;

۱۰\_ در معرض نقض بدنی یا هر نوع آزمایش طبی یا علمی قراردادن اشخاصی که تحت سلطه طرف دیگر هستند که نه درمان طبی، دندانپزشکی یا شفاخانه های شخص مورد نظر آن را توجیه می کند و نه در جهت منفعت وی صورت می گیرد و موجب مرگ یا خطر جدی برای آن شخص یا اشخاص می شود;

حاکم بر منازعات مسلحانه بین المللی یعنی هر یک از اعمال مشروحه ذیل:

۱\_ هدایت عمدی حملات بر ضد مردم غیر نظامی در کلیت آن یا بر ضد افراد غیر نظامی که مشارکت مستقیم در مخاصمات ندارند;

۲\_ هدایت عمدی حملات بر ضد اهداف غیر نظامی;

۳\_ هدایت عمدی حملات بر ضد کارکنان تأسیسات، مواد، واحدها، یا وسایل نقلیه این که در کمک رسانی بشر دوستانه یا مأموریتهای حفظ صلح به موجب منشور ملل متحد به کار گرفته می شوند، مادام که آنها از حمایتی بر خوردارند که به غیر نظامی به موجب حقوق بین المللی منازعات مسلحانه داده شده است;

۴\_ انجام عمدی حمله ای با دانستن این که چنین حمله ای باعث تلفات جانی یا آسیب به غیر نظامیان یا خسارت به اهداف غیر نظامی یا آسیب گسترده دراز مدت و شدید به محیط زیست خواهد شد و آشکارانست به مجموعه فایده نظامی ملموس و مستقیم مورد انتظار از آن بیش از اندازه است;

۵\_ حمله یا بظاران شهر ها، روستاها، مناطق مسکونی یا ساختمانهایی که بی دفاع بوده و اهداف نظامی نیستند با هر وسیله ای که باشد;

۶\_ کشتن یا زخمی کردن جنگنده که سلاح خود را بر زمین گذاشته یا وسیله

در قالب گسترده چنین جرائمی صورت گرفته باشد.

۲\_ منظور از جنایت جنگی در این اساسنامه موارد ذیل است:

الف: نقضهای فاحش معایدات ۱۲ اوت ۱۹۴۹ ژنف، یعنی هر یک از اعمال مشروحه ذیل بر ضد اشخاص یا دارائیهایی که تحت مقررات معایدات مربوطه ژنف قرار گرفته اند:

۱\_ کشتار عمدی؛  
۲\_ شکنجه یا رفتار غیر انسانی از جمله آزمایشهای زیست شناختی؛  
۳\_ فراهخم آوردن موجبات رنج عظیم یا صدمه شدید به جسم یا سلامتی؛  
۴\_ تخریب و ضبط گسترده اموال که ضرورتهای نظامی آن را توجیه نمی کند و به صورت غیر قانونی و خود سرانه اجرا شده است؛

۵\_ اجبار اسرای جنگی یا دیگر اشخاص مشمول حمایت (معایدات) به خدمت در صفوف نیروهای دولت دشمن؛

۶\_ محروم کردن عمدی اسرای جنگی یا دیگر اشخاص مشمول حمایت از حقو محاکمه عادلانه و قانونی؛

۷\_ تبعید یا انتقال غیر قانونی یا حبس قانونی؛

۸\_ گروگان گیری.

ب: دیگر نقضها فاحش قوانین و عرفهای مسلم حقوق بین الملل و

سرانه از رسید کمکهای امدادی پیش بینی شده در معایدهات ژنف:

۲۶\_ بسیج اجباری یا دلوطلبانه کودکان زیر ۱۵ سال در نیروها مسلح ملی یا به کار گرفتن آنان برای مشارکت فعال در کارهای جنگی؛

ج: در حالت وقوع نزاع مسلحانه غیر بین المللی نقض فاحش ماده ۳ مشترک در چهار معاهدات ۱۲ اوت ۱۹۴۹ ژنف یعنی هر یک از اعمال ارتكابی زیر بر ضد اشخاصی که هیچگونه شرکت فعالی در کارهای جنگی ندارند از جمله افراد نیروهای مسلح که سلاحهایشان را زمین گذاشته اند و کسانی که به سبب بیماری، جراحت، حبس یا هر علت دیگری از شرکت در جنگ ناتوان هستند؛

۱\_ خشونت بر ضد جسم و جان به ویژه قتل از هر نوع، قطع عضو، رفتار بیرحمانه و شکنجه؛

۲\_ تجاوز به کرامت شخص به ویژه رفتار موهن و تحقیر کننده؛

۳\_ گروگانگیری؛

۴\_ صادر کردن احکام و اجرای مجازاتهای اعدام بدون وجود حکم قبلی صادر شده از دادگاهی که به طور قانونی تشکیل شده باشد و تمام تضمینهای قضائی را که ضرورت آن به طور عام شناخته و پذیرفته شده است، تأمین نمایند؛

موجب رنج غیر لازم می شوند یا آنکه ذاتاً بدون تمیز و تفکیک [اهداف] و مغایر حقوق بین الملل منازعات مسلحانه هستند؛ مشروط بر آنکه این سلاحها موضوع منع جامع بوده و از طریق اصلاحیه این مطابق مقررات مربوط در مواد ۱۲۱ و ۱۲۳ در ضمیمه الحاقی به این اساسنامه درج شود؛

۲۱\_ تجاوز به کرامت شخص، به ویژه رفتار موهن و تحقیر آمیز؛

۲۲\_ ارتاب تجاوز [جنسی] برده گیری جنسی، اجبار به فحشای جنسی، حاملگی، آنچنانکه در بند ۲(و) ماده ۷ تعریف شده است، عقیم کردن اجباری، یا هر شکل دیگر از اشکال خشونت جنسی که موجب نقض فاحش معایدهات ژنف می شود؛

۲۳\_ بهره برداری از حضور اشخاص غیر نظامی یا دیگر اشخاص برخوردار از حمایت به منظور مصئون نگاه داشتن نقاط، مناطق یا نیروهای نظامی معین از عملیات نظامی؛

۲۴\_ هدایت عمدی حملات بر ضد ساختمانها، مواد، واحدها، و وسایل نقلیه طبی و افرادی که نشانهای مشخصه معایدهات ژنف را مطابق حقوق بین المللی به کار می برند؛

۲۵\_ تحمیل گرسنگی به غیر نظامیان به عنوان روش جنگی، با محروم کردن آنان از موادی که برای بقایشان ضروری است. از جمله جلوگیری خود

۱۱\_ خائنانه کشتن یا زخمی کردن افرادی که به دولت یا ارتش دشمن تعلق دارند؛

۱۲\_ اعلان این مطلب که به احدی رحم نخواهد شد (احدی در قید حیات نخواهد ماند)؛

۱۳\_ تخریب یا ضبط اموال دشمن مگر آنکه ضرورتهای جنگ چنین تخریب یا ضبط اموال را ایجاب نماید؛

۱۴\_ اعلان این مطلب که حقوق و دعاوی اتباع طرف دشمن در هر دادگاهی منسوخ معلق یا غیر قابل قبول است؛

۱۵\_ اجبار اتباع طرف دشمن به شرکت در عملیات جنگی بر ضد کشور خود هر چند آنها پیش از شروع جنگ در خدمت دولت متخاصم بوده اند؛

۱۶\_ غارت شهر یا محلی گرچه غلبه بر آن با زور صورت گرفته باشد؛

۱۷\_ به کار بردن زهر یا سلاح زهری؛

۱۸\_ استفاده از گازهای خفه کننده، زهری یا سایر گازها و تمام سیالات، مواد یا ابزارهای مشابه؛

۱۹\_ استفاده از گلوله هایی که به آسانی در بدن انسان منبسط یا پخش می شود. مانند گلوله هایی که دارای پوسته سختی هستند که تمام هسته را نمی پوشاند یا آن که شکافهایی روی پوسته ایجاد شده است؛

۲۰\_ به کار بردن سلاحها، پرتابه ها و مواد و روشهای جنگی که دارای خاصیت آسیب رسانی بیش از حد یا

د: بند ۲(ج) بر منازعات مسلحانه غیر بین المللی منطبق است و بنا بر این شامل حالتهای آشوبها و تنشهای داخلی همچون شورشها و اعمال خشونت آمیز منفرد یا پراکنده یا اعمال مشابه دیگر نمی شود.

ه: دیگر نقضهای فاحش قوانین و عرفهای قابل اجرا در منازعات مسلحانه غیر بین المللی در چارچوب تعیین شده در حقوق بین المللی یعنی هر یک از اعمال زیر:

۱\_ هدایت عمدی حملات بر ضد مردم غیر نظامی در کلیت آن بر ضد افراد غیر نظامی که در اعمال جنگی شرکت مستقیم ندارند؛

۲\_ هدایت عمدی حملات بر ضد ساختمانها، مواد، واحدها و وسایل نقلیه پزشکی و افرادی که از نشانههای مشخصه مذکور در معایات ژنف مطابق حقوق بین الملل استفاده می کنند؛

۳\_ هدایت عمدی حملات بر ضد کارکنان، تأسیسات، مواد، واحدها و خودروهایی که در کمک رسانی بشر دوستانه یا مأموریت حفظ صلح به موجب منشور ملل متحد به کارگرفته می شوند، مادام که آنها شایسته برخورداری از حمایتی هستند که به موجب حقوق بین الملل منازعات مسلحانه به غیر نظامیان یا اهداف غیر نظامی داده شده است؛

۴\_ هدایت عمدی حملات بر ضد ساختمانهایی که برای مقاصد مذهبی، آموزشی، هنری، علمی یا خیریه اختصاص یافته و [نیز بر ضد] آثار تاریخی، شفاخانه ها و مکانهای تجمع بیماران و زخمی ها مشروط بر آنکه آن مکانها اهداف نظامی نباشند؛

۵\_ غارت شهر یا محلی، گرچه غلبه بر آن با زور صورت گرفته باشد؛

۶\_ ارتکاب تجاوز [جنسی] برده گیری جنسی، اجبار به فحاشی جنسی، حاملگی اجباری آنچنانکه در بند ۲(و) ماده ۷ تعریف شده است. عقیم کردن اجباری یا هر شکل دیگر از اشکال خشونت جنسی نیز که موجب نقص فاحش معایات ژنف می شود؛

۷\_ بسیج اجباری یا داوطلبانه کودکان زیر ۱۵ سال در نیروهای یا گروههای مسلح یا به کارگرفتن آنان بریا مشارکت فعال در کارهای جنگی؛

۸\_ صدور دستور جابجایی اهالی غیر نظامی به دلایل مربوط به نزاع مگر آن که امنیت غیر نظامیان مورد نظر یا دلایل الزام آور نظامی چنین اقتضا کند؛

۹\_ کشتن خائانه یا زخمی کردن جنگنده دشمن؛

۱۰\_ اعلان این مطلب که به احدی رحم نخواهد شد [احدی در قید حیات نخواهد ماند].

۱۱\_ در معرض نقص بدنی یا هر نوع آزمایش پزشکی یا عملی قرار دادن

اشخاصی که تحت سلطه طرف دیگر هستند به طوری که نه درمان طبی، دندانپزشکی یا شفاخانه شخص مورد نظر آن را توجیه می کند و نه در جهت منفعت وی صورت می گیرد و موجب مرگ یا خطر جدی برای آن شخص یا اشخاص می شود؛

۱۲\_ تخریب یا ضبط اموال دشمن مگر آنکه ضرورتهای جنگ چنین تخریب یا ضبط اموال را ایجاب نماید؛  
و: بند ۲(ه) بر منازعات مسلحانه غیر بین المللی قابل اجرا است و بنا بر این شامل حالتهای آشوبها و تنشهای داخلی همچنین شورشها و اعمال خشونت آمیز منفرد یا پراکنده یا اعمال مشابه دیگر نمی شود. [مقررات] این بند در مورد منازعات مسلحانه ای قابل اجرا است که در قلمرو دولتی اتفاق می افتد که منازعه مسلحانه طولانی مدتی نیروهای حکومت و گروههای مسلح سازمان یافته و یا میان چنین گروههایی وجود دارد.

۳\_ هیچیک از مطالب بندهای ۲[ج] و ۳(د) تأثیری بر مسئولیت حکومت برای حفظ یا برقراری مجدد قانون و نظام در کشور یا دفاع از وحدت و تمامیت قلمرو دولت با تمام وسایل قانونی نخواهد گذاشت.

## Statement by the DSRSG to the roundtable on Implementation of the ICC statute in the Afghan Legal order.



Ms. Ameerah Haq DSRSG

I want first of all to thank the Afghan professional Alliance for minority rights for organizing this workshop on implementation of the ICC statute in the Afghan legal order.

After more than two decades of war and destruction the people and the government of Afghanistan are slowly and steadily moving to overcome their past. When many interests in the world rediscovered Afghanistan in 2001, as it were by accident, the state barely existed and institutions which should guarantee the rights of people were virtually destroyed or in the hands of those who cared little for the rights of the people.

Thus the international community has a responsibility to assist the Afghans to rebuild their country and state, so that it is accountable to its citizens, and thus create a secure environment for people lead a normal life.

The Bonn Agreement lays out in broad terms the process of reform and institution building designed to put Afghanistan back on track.

It is a long and tedious process. The people of this country are still waiting for the rule of law to emerge by removing the shadow of the gun, which, sadly, still continues to overshadow the lives of many. The issue of impunity for past as well as present crimes is not yet being addressed effectively. The impunity for many people in Afghanistan is that the past still continues to determine the present without a qualitative break. Hence the process of accountability and rule of law are a prime concerns. Restoring security remains at the top of every

Afghan's wish list, and the newly elected president and the new cabinet cannot afford not to make progress towards meeting the people's number one concern.

Article seven (7) of the constitution states that:

The united nations charter, inter-state agreements, as well as international treaties to which Afghan is signatory, and the universal declaration of human rights shall be

respected.

It is also important note here that Afghanistan had Further signed and ratified six treaties (ICECR, ICCPR, CERD, CAT, CEDAW, and the CRC with its two optional protocols). CEDAW and two optional protocols for the CRC were signed during this interim period. Further Afghanistan had ratified the Rome statute in February 2003. the commitment by the Afghan interim Government to ratify the above awas a welcome sign.

I am happy to inform you that already with the support of the office of the High commissioner for Human Rights, UNAMA and UNDP, a project to build capacity in the ministry of foreign affairs to fulfil its treaty reporting obligations is underway. The Canadian international development Agency (CIDA) has funded the project.

In this respect, the role of civil society becomes very important. It needs continuously to bring awareness among the people of their rights and ensure that the state fulfils its commitment its the people. implementation of the constitution becomes meaningful only when the various arms of the state clearly understand their constitutional obligations and paralelly the people at large become aware of their right to assert themselves in a democratic manner to hold those in authority accountable.

In this respect, it is heartening to see this round table confabulation being by an NGO and many of the members of key ministries, the international community, civil society organizations and academics, with a view to strengthening the country's legal norms by bringing to bear the sprit of ICC.

On behalf of UN, I wish you success for a productive roundtable discussion over the next two days.

Moreover, States who are parties to the Geneva Conventions (grave breaches), the Torture Convention (torture as a "single" crime), or the Convention on the Rights of the Child (recruiting or using child soldiers) have obligations under these treaties to provide for domestic jurisdiction over the international crimes defined under these treaties.

The implementation of the Rome Statute thus provides a chance and opportunity to strengthen the criminal law and enable the own courts to effectively prosecute these most serious crimes.

Questions to think about include for instance:

- the form of legislation: amending existing penal and procedural codes (Switzerland), new specific law on ICC crimes (NZ), a new International Crimes Code (Germany)
- which international crimes: only the ICC definitions; adaptation to contemporary customary international law; addition of



international crimes under other treaties

modalities of jurisdiction: e.g. which courts will be competent: temporal jurisdiction (only for future crimes or also looking back (retrospective jurisdiction), how far?)

general principles applicable to international crimes: e.g. no immunity of officials; military or civilian superiors have an enhanced responsibility (may also incur criminal responsibility for not preventing crimes)

fair trial standards, protection of victims and witnesses, reparations etc.

#### Concluding Remarks

The Rome Statute thus calls for implementation with regard to 2 main areas:

1. cooperation with the ICC, and
2. provision of jurisdiction of domestic courts over the ICC crimes.

There are many options of how to go about implementing the Rome Statute. Different states have opted for different models. Their legislations may provide useful examples (see e.g. [www.legal.coe.int/criminal/icc](http://www.legal.coe.int/criminal/icc) or [www.iccnw.org/resourcestools/ratimptoolkit.html](http://www.iccnw.org/resourcestools/ratimptoolkit.html)). In the afternoon session, we will be able to discuss in more detail ways to implement the Statute.

In Rome, we had the vision that the atrocities of the 20<sup>th</sup> century must never happen again, and that in the future, impunity would no longer be acceptable. Victims must be given a voice, accountability needs to be ensured. Effective implementation of the Rome Statute will contribute to these aims.

Tashakor

States usefully clarify *prior* to concrete cooperation requests which procedures are applicable and which authorities competent to receive requests of cooperation and coordinate the actions to be taken by different authorities. Hindrances to effective cooperation may for instance simply stem from the fact that cooperation with a body like the ICC had not been foreseen in the applicable laws.

## 2. Providing Domestic Jurisdiction over ICC Crimes

Besides the implementation of their cooperation obligations, States Parties should incorporate the ICC crimes into their national criminal law, even though the Rome Statute in its operative part does not contain a formal obligation to do so. These crimes are:

1. Genocide (Art. 6 Rome Statute: essentially atrocities to destroy, in whole or in part, a national, ethnical, racial or religious group);
2. Crimes against humanity (Art. 7 Rome Statute: essentially widespread or systematic human rights violations);
3. War Crimes (Art. 8 Rome Statute: criminalized violations of the law of internal or international armed conflict)

(In accordance with Art. 5 Rome Statute, the Court will only be able to exercise jurisdiction over the crime of aggression when the States Parties have agreed on a definition and accordingly amended the Rome Statute.)

The ICC neither is able nor has been created to prosecute all perpetrators responsible for genocide, crimes against humanity or war crimes. Due to its limited resources, the ICC must focus on the main perpetrators and

systematic and/or large-scale atrocities. The current ICC Prosecutor has confirmed that he will focus only on the very worst perpetrators. Thus, in each situation, at best a small number of war criminals will be prosecuted by the ICC.

As the Rome Statute makes clear, the **primary responsibility for investigating and prosecuting genocide, crimes against humanity and war crimes remains with each State**. States Parties thus **should** adopt legislation to **provide its domestic courts with jurisdiction over the ICC crimes**. The Preamble of the Rome Statute also recalls "that it is the duty of every State to exercise its criminal jurisdiction over those responsible for international crimes".

Also, providing domestic jurisdiction may permit the State Party to meet the test of the



**complementarity principle:** If a State Party is unable (or unwilling) to prosecute their own nationals, it may otherwise have to surrender its own nationals for prosecutions by the ICC.

## Round Table on the Implementation of the Rome Statute

Kabul, 21 December 2004

Michael Cottier

Directorate of International Law

Swiss Department of Foreign Affairs

michael.cottier@eda.admin.ch

(check against delivery)  
Honorable Mr. Chairman,

Excellencies,

Ladies and Gentlemen,

Thank you for inviting me to this important Round Table. It is indeed an honor for me to share with you today reflections of how the Rome Statute may be implemented and, in particular, how it has been implemented in Switzerland. We very much welcome this Round Table, and the government of Afghanistan is to be commended commitment to implement the Rome Statute. If the Statute is not implemented, its objectives and the people's expectations towards the International Criminal Court (ICC) hardly can be met.

All of the currently 97 States Parties are or have been confronted with the challenge of implementing the Rome Statute. All over the world, they are reviewing their national laws to be able to effectively cooperate with the ICC. Most of them also consider providing domestic jurisdiction over the ICC crimes.

This is a promising momentum in the fight against impunity for the most serious crimes of genocide, crimes against humanity and war crimes.

### 1. State Cooperation

The success of the ICC crucially depends on the effective cooperation of states, since the



Court has *no international police force*. The ICC cannot itself arrest suspects or freeze assets, and is far away from grave sites and other evidence.

Accordingly, the Rome Statute establishes a **clear obligation of states to cooperate** with requests of the Court (Art. 86), and to **provide procedures under their national law for all forms of cooperation** provided under the Statute (Art. 88).

To meet its obligations of cooperation, each State Party needs to:

1. **review its national law and procedures** where they are conflicting with or impairing effective cooperation as required by the Rome Statute, and
2. **adopt new and amend existing legislation, regulations and procedures** to comply with the Statute's requirements and to enable it to effectively cooperate.

and strengthen rule of law and international standard in the country. The presentations and discussions mainly focused on Afghanistan's obligations as a founding member of the ICC and as a State Party and ways to fulfill these obligations.

In the concluding session, the participants unanimously agreed and recommended that the following initiatives should be immediately undertaken:

1. A Commission/ Working Group should be formed in earnest composed of experts of the Ministry of Justice, Ministry of Foreign Affairs and other concerned government institutions and the Afghan civil society.
2. The A PAMR, because of its deep and long involvement in the ICC campaigns in Afghanistan, should take necessary initiatives to facilitate the formation of the Commission/ Working Group.
3. The Commission / Working group should review and study Afghan Constitution and relevant laws with the aim of drafting appropriate legislations and/or propose amendments to the laws to:
  - a. Bring Afghan legal and judicial system into line with the standards and requirements of the ICC Statute,
  - b. Facilitate fulfillment of Afghanistan's cooperation obligations under the Statute,
  - c. And extend the jurisdiction of the Afghan national courts to prosecute the ICC crimes.
4. The Commission /Working Group should be independent and have independent sources of funding.
5. The Commission /Working Groups should include foreign experts, preferably experts from Islamic countries, or experts familiar with Islamic criminal laws, and look at experiences and legislations of other countries that have already implemented the ICC Statute.
6. To continue further vigorous, wide and extensive public information and education campaigns on the ICC should, especially through televisions, radios and print media.

Add: north west of Nadieia high School  
 apartment No 2 opposite Emam Abuhanifa  
 Mosque karta-e-parwan Kabul Afghanistan  
 mail: apamrafg@yahoo.com Tel:0093-  
 70016983,79301434,0



## ***THE RESOLUTION OF ROUNDTABLE ON THE IMPLEMENTATION OF THE ICC STATUTE***

As a part of its continued campaign on the International Criminal Court (ICC), the Afghan Professionals Alliance for Minority Rights (APAMR) organized a day of Roundtable on the Implementation of the Statute of the ICC in Afghanistan legal order, on 21 December 2004. The event was held at the Star Palace of the Ministry of Foreign Affairs in Kabul and organized in close collaboration with the Ministry of Foreign Affairs and the Ministry of Justice of the Islamic Republic of Afghanistan. The Roundtable was followed by a two days of National Seminar on 22 and 23 December on the Strategies for Implementation of the ICC Statute in Afghanistan.

High ranking Government leaders and officials including the Honorable Deputy Minister of Foreign Affairs Mr. Zalmai Aziz, Honorable Dr. Mohammad Qasim Hashimzai, Deputy

Minister of Justice, Honorable Professor Suraiya Paikan, Deputy Minister of Higher Education, Ms. Ameerah Haq Deputy Special Representative of the UN secretary General for Afghanistan, Ambassadors, senior diplomats and representatives of foreign governments, international experts on the ICC and representatives from concerned ministries and departments in provinces, members of academic institutions, independent commissions and human rights and civil society groups participated in the Roundtable and the Seminar.

The guests, experts and participants overwhelmingly endorsed Afghanistan's accession to the ICC in February 2003 as an important step toward its commitment to end pervasive culture of impunity, to create an accountable, democratic, and just society, to address its recent tragic history and to ensure